



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۶۱
یکشنبه ۲۷ مهر ۱۳۵۹، بهار ۱۵۰ ریال

وحدت خلق در دفاع از

میهن انقلابی

باید به وحدت متشکل همه نیروهای مدافع انقلاب ارتقاء یابد

«میزان» نامیزان این صدای لیبرالسم ناب ایرانی است

★ انقلاب همه چیز را از بین و بن تغییر داده، اما لیبرالها میخواهند فقط یک چیز را تغییر دهند: خود انقلاب را...
★ و اهمیت حیاتی مبارزه با لیبرالسم و افشای نقش روزنامه میزانه و میزانه‌ها در همین نکته خفیه است...
صفحات ۲ و ۳

سنگر واحد تبرید توده‌ها برای پیروزی رساندن انقلاب ایران علیه مزدور جبار امپریالیسم امریکاه، محمد رضای ملوم، جای خود را به سنگر واحد دیگری در دفاع از میهن انقلابی داده است.

در حرکت جوشان و خروشان که برای سرنگونی قلمی نظام وابسته ضد مردمی و دیکتاتوری پهلوی پدید آمده، نیروهای مردمی نه در پی توافق بر روی برنامه مشترک، بلکه به تبعیت از یک توافق اعلام نشده از سوی خلق، دست در دست هم نهاده، صفها را درهم تشرند و چون پیکر واحد سینه خود را آماج سلاحهای آتشزای ارتش محمدرضا شاه قرار داده، زدند و خوردند، کشتند و کشته شدند و سرانجام پیروزی بقیه در صفحه ۸

بمناسبت شهادت رفقای قهرمان توده‌ای در سنگر نبرد برای دفاع از میهن انقلابی اتحادی که با خون پیوند مییابد

سکوت و رکود، گورستان واقفیت‌هاست، و حرکت و انقلاب، آن صور اسرائیلی است که حقیقت‌های مدفون را احیا می‌سازد و محسوس می‌کند. انقلاب شکوهمند ایران، چون طوفانی بینان‌کن، در میهن زجر کشیده ما همچنان در حال غریزند است، لایه‌های متحجر اباطیل چند هزار و چند صد ساله طاغوت را بر می‌کند، انفس و اقوام را دگرگون می‌سازد، ردایل قرون و اعصار را از ارواح می‌زداید. باید سپهسواران این انقلاب بود که، خلق اسیر و تحقیر گشته ما در سایه آن میروند تا شخصیت و حیثیت انسانی خود را بازیابند.

فقط در یک چنین محیط انقلابی بود که بسیاری از حقایق امکان تلاوت یافتند، و یکی از آنها واقفیت حزب توده ایران بود. سالهای ستادی تبلیغات و آموزش رژیم دست‌نشانده و منفور پهلوی، حزب توده ایران را به مثابه «دشمن اسلام» و «دشمن دین» معرفی میکرد و این افسون طاغوت، بسیاری و بسیاری از افراد صدیق و مبارز مسلمان را نیز مسحور و گمراه ساخته بود. ولی از همان لحظه‌ای که طوفان انقلاب بحرکت درآمد، مردم عادی کوچه و بازار و مسجد و مدرسه، هر روز در نهایت تحیر و تعجب بیشتر از دیروز متوجه شدند که سرمال تمام چه مزخرفاتی را بخورد آنها داده‌اند و چه افکار و قضاوت‌های غیرعادلانه‌ای را به آنها قبولانده‌اند. بیچشم خود دیدند - و ناباورانی حتی بیچشم خود باور نکردند و متردنانی حتی اینرا «دیرنگ» و «تا کنیک» پنداشتند - که حزب توده ایران - حزبی که به مثابه «دشمن دین» معرفی شده بود - با صداقت و استواری و هشیاری در سنگر دفاع از انقلابی ایستاده است که یک پارسی پاک‌سرشت مسلمان زمام رهبری آنرا بپست دارد و اسلام انقلابی کاربایه و ایندولوزی آنرا تشکیل میدهد. بیچشم خود دیدند که در حالیکه مسلمان‌نمایان «خلق مسلمان» تیشه بر ریشه جمهوری اسلامی ایران می‌زنند، حزب توده

نخست وزیر در سازمان ملل متحد:

ما از پشت این تریبون به مردم جهان اعلام می‌کنیم که تجاوز نظامی عراق را بخشی از توطئه‌های پیاپی استکبار جهانی، بسر کردگی آمریکا علیه انقلابمان میدانیم

۳۰ کورک مجروح کتر از ۶ ماهه را که هم‌اکنون در بیمارستان این شهر بستری هستند، دیدم. ارتش صدام حسین به بهانه‌های واهی که بهتر است حتی گفته شود بدون بهانه به خاک ما تجاوز کرده، مراکز تولیدی و اقتصادی و بخصوص مناطق مسکونی از جمله بیمارستانها و مراکز آموزشی را به مردم بیگناه ما را به قتل می‌رساند. دنیا باید بداند ارتش فریب خورده صدام به هیچ چیز رحم نمی‌کند و خطرات حمله هیتلر را دوباره در یادها زنده کرده است. صدام برای ادامه چند روز بیشتر حکومت وابسته خود با ۱۲ لشکر و با تجاوز از ۲۵۰۰ تانک و سدها هواپیمای جنگی و جنگ افزارهای فراوان دیگر به مردم کشور ما که دوران بازسازی جمهوری اسلامی را شروع کرده‌اند بمباران حملهور شده است. دیروز در هواپیمای مطلع شدم که در کرمانشاه در اثر بمباران دیستان، دبیرستان، دانشگاه و بیمارستان این شهر

نخست وزیر افزود: «من صریحاً اعلام میکنم که ملت ما مصمم است حتی یادنیال کردن یک جنگ طولانی و مردمی نه تنها متجاوزین را سر جای خود بنشانند، بلکه با این عمل خود ملت برادر و مسلمان عراق را نیز به حمایت رژیم ضد مردمی و وابسته صدام، هر چه بیشتر آشنا سازد و نیز جوانان دندانشکن به امپریالیسم امریکا دهد که مستقیم و غیر مستقیم به دولت پست عراق کمک می‌نماید.

امریکا با هواپیمای آواکس خود که در مرستان مستقر کرده است، تلفات ارتش دلیبر جمهوری اسلامی ایران را ضبط و به عراق گزارش میدهد و همچنین با منحرف کردن سیستمهای رادار هدفهای غلط به چنگنده‌های ما میدهد.

نخست وزیر گفت: «ما از پشت این تریبون به مردم جهان اعلام میکنیم که تجاوز نظامی عراق را بخشی از توطئه‌های پیاپی استکبار جهانی بسر کردگی آمریکا علیه انقلابمان میدانیم. تجاوز عراق را تجاوز ظلم و کفر جهانی علیه انقلاب اسلامی خود دانست. دست شیطان بزرگو شیطانهای کوچک را در پس آن می‌بینیم.»

باتشکیل کمیته‌های دفاع در کارخانه‌ها، خرابکاریهای دشمن را خنثی کنیم

هیئت واگذاری زمین و روستاهای اطراف جاده قم - اصفهان

پیام تسلیت کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا بمناسبت درگذشت رفیق لویجی لونگو

رفقای گرامی! از خبر درگذشت درگذشت رفیق لویجی لونگو، صدر حزب کمونیست ایتالیا، آگاه و سخت غمگین شدیم. درگذشت رفیق لونگو، نه تنها ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر برای حزب کمونیست ایتالیا بشمار میرود، بلکه جنبش بین‌المللی کمونیستی و کارگری را از یکی از برجسته‌ترین مبارزان و رهبران خود محروم می‌سازد. رفیق لونگو همواره در قلوب کمونیستهای ایران جای ویژه داشته است. وی پیوسته یکی از پیگیرترین مدافعان مبارزه ضد امپریالیسم و دمکراتیک خلق ما بوده و بارها با شوری بر همتا در کارزار همبستگی بین‌المللی و پشتیبانی نیروهای مترقی و دمکراتیک ایتالیا از یکبار دشوار ضد استبدادی و ضد

تحلیلی از گزارش نهایی «سیاست‌های توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران» صفحات ۲ و ۳

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

«میزان» نامیزان

این صدای لیبرالیسم ناب ایرانی است

انقلاب همه چیز را از بیخ و بن تغییر داده، اما لیبرالها میخواهند فقط يك چیز را تغییر دهند: خود انقلاب را ...
واهمیت حیاتی مبارزه با لیبرالیسم و افشای نقش روزنامه «میزان» و «میزان هادرهمین نکته خطیر است...

خبر، انقلاب لیبی با انقلاب ایران سازگار نیست. چنین متحد و دوستی هرگز پدید ایران نمیخورد.
اگر به لمن و نحوه برداشت «میزان» بیشتر دقت کنیم، در وجود لیبی حتی میتوانیم دشمن جباری برای خود بیابیم. پنبه انقلاب فلسطین که قبلاً زده شده بود، با این آب پاکی که «میزان» پیرها روی دست لیبی میریزند، از این متحداحتالی، جز يك «زیم وابسته به شوروی»، فصدت چنایکارانی چون فرنجیه، «قاتل امام موسومسدر» و سرگوبکننده خواستهای محتانه مردم لیبی، چه بماند! آیا چنین رژیم و کشور ناجوری، درخور دوستی و اتحاد و همدلی انقلاب اسلامی ماست؟ میندیده که لیبرالهای کهنه کار درس خود را خوب بیاندند.

میانند سوریه، از بابت متحد احتالی هم نگران نباشید. «میزان» - چرما مثل آب خوردن و با یک ورد و اسون ژورنالیستی از این دوستلیبی هم هیولای موحتی میسازند که، مورتن انقلاب ایران راست میکند، ملاحظه فرمائید:

«تیکه و تمایل وهسولی سیسی، اقتصادی، نظامی سوریه با بر قدرت شرق از جانب جناح غالب درهيات حاكمة سوریه، باعث تشدید قصادهای درونی خود هیات حاكمة شده... و این گشاکش عرصه را بر نیروهای ملی و مستقل و اسلامی جامعه تنگتر کرده...» (میزان، شماره ۱۹)
«میزان» میخواهد با زبان برزبانان تلقین کند که حکومت سوریه نه ملی است، نه مستقل نه اسلامی. اصلا این رژیم هاملس کوبنیروهای ملی و مستقل و اسلامی است. صرعه بر ارادهای در دست سیاست «شرق» است و آیش با حکومت انقلابی ایران اسلامی به يك جوی نسرود.
با این رسوسها و تبلیغات، خواننده «میزان»، در حالیکه مقاعد شده که ما در عرصه دنیای بکلی تک و تنها ماندهایم و در جامعه مان مظرود شدهایم، در ذهن خود پندبفال مقعد مناسب برای ما میگرد.

«میزان» بیشایست به حساب فلسطین و سوریه و لیبی و یمن دمکراتیک و نظائر آنها رسیده است. این کشورها و صله های ناجوری هستند. پی باید سر اغ دوست را در جاهای دیگر گرفت. کشورهای سوسیالیستی چطورند؟! نه، نه! اسم آنها را هم نبرید که لیبرالها سخت دلخور میشوند. تضاد اصلی لیبرالها با ایران چیزی است که حتی بوئی از سوسیالیسم واقعی میدهد. کافی است «میزان» راه که آینه تمام نمای آراه و خواستهای لیبرالیسم ناب ایرانی است، ورق بزنید تا زیر رگبار برامان مقالات و گزارشها و اختیار سخن شده، اختراعی و منطاطشده ضد کمونیستی و ضد شوروی آن خرس شوئید. این ختر با عرف جنجالترین و میتفوترین روزنامه ههای بورژوازی جور در نمی آید که، تنها در مورد خبر تکذیب شده کمک نظامی شوروی به داروسته صدام حسین، در جریان جنگ تجاوز گرانه علیه ایران «میزان» ۳۳ خبر و مطلب در کمتر از ۲ هفته داشته است! «میزان» در اینباره حتی از تشوخر تحریفات رادیو اسرائیل و مقامات سوسیویستی ایانه کرده و با آبرتاب این قتل و نجات های سوسیویستی را به خورد خوانندگان خود میدهد:

«راديو اسرائیل برای چندمین بار گزارش داد چند کشتی روسی حامل تسلیحات و مهمات وارد بندر عقبه در اردن شدند، کابرای اسلحه خالی گندیده» (میزان، شماره ۲۶)
«میزان» که برای آب و رنگ زدن و پختن خیرهای مطلوب «راديو اسرائیل» و خبر گزارهای امریالیستی سراز یا نمر شناسد، بازم برخلاف همه اصول و قواعد ژورنالیستی، تنها در شماره ۲۵ خود، خبر جعلی یادشده را، ۴ بار و با ۴ آیتر جداگانه چاپ کرده است:

در صفحه اول یا عنوان «کشتی های بلری روسی مهمات خود را دور بندر عقبه خالی میکنند» تا از راه زمین به عراق وارد شود. در صفحه ۲، جزء خبرهای مربوط به مجلس شورای اسلامی و در صفحه ۸ با آیتر هوسیه از طریق ... و کویت به عراق اسلحه میدهند و باز درجای دیگری از صفحه آخر، عین همین خبر، به نقل از روزنامه القبس.
اما زرنگی زیاد کار دست آدم میدهد. «میزان» در همان حال که دکستی تبلیحات روسی را در بندر عقبه تخلیه میکند، برای تسریع کار ((مقادری از این اسلحه ها راهبره بندر پسر میفرستد.

«منابع اطلاعاتی ایران گزارش دادند که يك کشتی روسی حامل اسلحه در بندر پسر پهلو گرفته است.» (میزان، شماره ۱۶)
ولی «منابع اطلاعاتی» اختصاصی «میزان» که «دکستی های روسی» را یا کوس و کرنا به بندر پسر میفرستد، يك چیز را فراموش میکنند و اتفاقاً این «چیز» خیلی هم مهم است. آنها نمیدانند - و یا خود را به ندانستن میتزند که در آغاز جنگ ایران و عراق، هیچ کشتی از صغ کنوروی نتوانسته است به بندر پسر برود. چرا؟ برای اینکه تکله مرتز میانش در کنترل نیروی دریایی ایران است و ایران اعلام کرده است که به کشتی ها اجازه نمیدهد به ساحل عراق نزدیک شوند!

«میزان» با همه این خبرهای نامیزان، میخواهد تزییق کند که شوروی و کشورهای سوسیالیستی قابل اعتماد نیستند، دشمن و بدخواهند، در کمین بهمین زندن انقلاب ما هستند و در اجرای همین نقش است که خوابنا میشوند که: «۴۰۰ هزار کوبانی با مجاهدین افغانی میجنگند.» (میزان، شماره ۱۱) و بز منابع اطلاعاتی اختصاصی «میزان» آنها کشف میکنند که: هویتها هم بر علیه مجاهدین افغان وارد جنگ شده و به کشتار جمعی آنها پرداخته اند...» (میزان، شماره ۱۱) و یمن دمکراتیک علیه ایران توطئه میکند و دها و دها خبر مشکوک، قلب شده، «میزان» شده در زردخانه های خبری امریالیسم زحتمین و ماخذ ظاهری که همه و همه يك وطنه دارند: دامن زدن به سوء قنطم و ویشدآوری قسبت به کشورهای سوسیالیستی...

خوب، وقتی کشورهای سوسیالیستی هم پندبفال انقلاب فلسطین، سوریه، لیبی و دیگر کشورهای غیرتمدن و ضد امیرالیستی از گردونه دوستان و متحدان طبیعی انقلاب ایران کنار رفته، جناح لیبرالها حرف اصلی و بنایی خود را میزنند:

«اگر قرار است درها را به روی خودمان ببندیم، با چه کسی - رابطه داشت باشیم؟ ما متزوی شده ایم» (میزان، شماره ۱۹)
و این فریاد از حلقوم سردمداران لیبرالیسم «میزان» شده با خط برزنسکی، در فضای مجلس ملین می اندازد:

«ما خود را با آمریکا در جنگ نمی بینیم!»
«دنیا ما را محکوم کرده است. ما متزوی شده ایم. یگتارید (با آمریکا) مذاکره کنیم!»
«ما با آمریکا بی مسائل داریم که باید حل شود. آمریکا اقتصاد قبه در صفحه ۲

به کشور ما، نتیجه این انزوای ساختگی میداند و مینویسد: «این مناقق صدام حسین از انزوای بین المللی، که بخاطر ایران گروگان گیری بوجود آمده... امیدوار است صرعه کلاری را بر انقلاب اسلامی وارد نماید.» (میزان، شماره ۲۳)
اگر حضرات واقفا در آنچه میگویند صادق باشند، اگر واقفا به انزوای بین المللی، ایران باور دارند و این انزوا را منشاء همه آلام و نارسائی ها میدانند، باید با تمامی هست و قدرت در رفع این انزوا بکوشند. باید در درجه اول درآب شدن بخوا - اگر بیغ و انجمالی وجود داشته باشد بین ما و نزدیکترین و طبیعی ترین متحدان جهانی انقلابمان جد و جهد کنند، و در این راه صواب، قلم و قدم خود را بیکار بیندازند.
خوب، آقایان سخت کورس مسلمانی میزنند. از دید یک مسلمان دلسوز مبین و انقلاب، آیا ما یار و متحدی بهتر و مطمئن تر از انقلاب فلسطین، سوریه، لیبی، الجزایر و کشورهای نظیر آنها داریم؟ اما دل لیبرالها جای دیگر می تپد، آنها برعکس، از قنطم و همدلی ایران انقلابی با دیگر خلقهای انقلابی متوحشانند. آنها نه تنها برای نزدیک تر شدن ایران به متحدان طبیعی هم جنس خودش کوچکترین قسمی بر نمیدارند و کمترین قلمی نمیزند، بلکه تا آنجا که از دستشان برمی آید، در این راه سنگ و کلوخ می اندازند و با موبذیان ترین روشها به سوعظن ها دامن میزنند.
ارگان رسمی لیبرالها، در همان حال که برای «انزوای بین المللی» ایران آه و فغان سر میدهد، از سیاستی علیه انقلاب فلسطین، لیبی، سوریه و دیگر انقلابهای ضد امیرالیستی غافل نیست. «میزان» که با هر چیز دیگری غیر از انقلاب ایران میزان است، برای لکه دار کردن انقلاب فلسطین، که شعله ای از انقلاب ماست، گستاخی راجباجای پارکی میکند و مینویسد:

«آقایان - فلسطینرها که خود را پیشتز مبارزات جهانی میدانند و در کنفرانس قسمی، که در تهران برگزار شده، هانرا الحسن نماینده مرفشان فرمود، ایرانیان باید انقلابی بودن را از فلسطینی ها بیاموزند. اینک انقلابی بودن را به ما می آموزند. راستی چرا آقایان انقلابی چنین می کنند؟ زیرا که نمیتوانند در مبارزه بین اسلام و کفر، میلوبیا دینار عراقی راه، که سالانه صدام حسین به آنها میدهد، فراموش کنند و جانب حق را بگیرند. و جناح طرفدار عراق سازمانتان بطور مداوم و گاه و بیگاه سفارت جمهوری اسلامی را در بیروت هدف گلوله ها و موشکهای روسشان قرار میدهند... از مسئولین سوال میکنم، از اجنادی انقلاب چه کمکی به این شیفتگان اسلام و انقلاب اسلامی ایران شده است؟» (میزان، شماره ۲۶)
مطلب تحریک آمیز فوق - که تنها سطوری از آنرا بستانه بختنونه خروار آوردید - مقاله ای تضادی و استثنائی نیست. «میزان» لیبرالها هیچ دم و فرصتی را برای چرکین کردن دل مردم نسبت به انقلاب فلسطین به هدر نمیدهد. مقاله برتلقین و تفتین «درسی انقلابی بودن را یاد گرفتیم» علیه انقلاب فلسطین، در شماره ۲۶ میزان، پشتوانه های نظیر مکرری دارد:

«آقای پسر عرفات، شما چرا» (میزان، شماره ۲۲) «میزان آزادی بخش فلسطین در تلاش برای صلح» (میزان، شماره ۱۸) «نامه ای به اردن ابوعمار» (میزان، شماره ۲۲) و بیشرتها و طمعه های نطظه آمیز متعددی که در لابلای بسیاری از مطالب جا داده شده و این ترجیح بندی را تکرار میکند: «آقای عرفات، چگونه پس از این میتوانی موضع خود را در جهان توجیه کنید؟» (میزان، ۱۳ مهر ۵۹، مقاله منسجم مصطفی کبرائی) «میزان» که از «وحشتزدگی دولتهای مسلمان و برانگیختن مداوم» آنها علیه ایران با شدت و حدت ابراز نگرانی میکند: «میزان» که مدعی است «دولتهای مسلمان در تنه گذاشتن ما متحد شده اند» و «آرزوی شکست انقلاب ما را دارند» (سرمقاله میزان، شماره ۲۵) خود درست برخلاف جهت این های و هوی، تخم تفرقه و شک و بیگانگی میپاشد و در عمل میکوشد ایران انقلابی را واقفا بسوی چنین «تسائیر» و «انزوای» شوق دهد. لجن مال کردن انقلاب فلسطین کافی نیست، باید همه دوستان را از گرد ایران تاراند، تا راهی جز راه دلخواه لیبرالها بر روی این مملکت عاصی باز نماند. اینجاست که نویسندگان و سیاست بازان تردست «میزان» لیبی و سوریه را نشانه میگیرند، و این نشانه گرفتن با همان ظرافت و ذلیلی ژورنالیستی انجام میگردد که میتواند زهر هلاهل راه، درخوش منظرترین کیسول، به خورد خلق الله دهد. «میزان» مینویسد:

«قدافی اعتقاد به نوعی سوسیالیسم ویژه عربی با اشاراتی به اسلام دارد. البته از نوع قنطالی آن...»
در لیبی سنگینی روسیه در حیات سیاسی این کشور غیر قابل انکار است. همگونی فراوان آراء و عقاید سیاسی و اقتصادی و نظامی جناح غالب هیات حاكمة لیبی با روسیه نیز، که در قراردادهای سیاسی، نظامی، اقتصادی تبلور می یابد، نشانه این سنگینی نامیمون است.» (میزان، شماره ۱۹ - در حاتبه وحدت سوریه و لیبی).

«میزان» روی طروش نفت لیبی به اروپا و آمریکا، بنوان يك ساختو پاخت پشت پرده، «رابطه بلسمان فرنیچه» در سطح کمک دادن و ارسال اسلحه، «ایجاد کلدر امنیتی توسط قدافی، در مقابل توقعات محقانه مردم لیبی» و «نابدید شدن امام موسی صدر در لیبی» (میزان، شماره ۱۹) و دها شایعه هیا ساخته و کذب و اتهام دیگر، تاکید میکند، تا ثابت کند که

«انقلاب «چیز» مطلوبی نیست، نه، به هیچ وجه نیست، ما در انتظار نیمه باران بودیم، اما ناگهان سیل آمد. همه بار، نه بار از اینکه انقلاب کرده ایم. پیشانییم. شروط و قانون اساسی اش اقتدرها هم بد نبودند. فقط کافی بود سر شاه را که زیادی یا از گلیش بیرون گذاشته بود - يك جوری زیر آب کرده، تا اوضاع بر وفق مراد شود. مسائل فرعی خود به خود درست میشد: کمی تغییر و اصلاح در دستگاههای لشکری و کتوری، کمی بزرگ کاری و آبرنگ زدن به قوانین و آئین نامه های شاهنشاهی، کمی غم و اندامض: آب توبه ریختن بر سر مسئولان و مجریان و ماموران معذور دوره طاعتون، يك مملکت شسته رفته، مثل دسته گل پدید میآورد که همه چیز آن درجای خودش بود. مالکیت مقسم بدون حد و مرز از چشم زخم در امان میماند. سیاط کینه ها و سیاه و دارگاههای انقلاب برچیده میشد، پاکسازی میشد، از حالت دشمنه تیزی که «نظامات را بهم میریخته» در میآمد و توده های عادی و عامی به خانه هایشان بر میگشتند و کار سیاست را به سیاستمداران می سپردند. اما هیات... شورشی ها، کمونیست ها، بیرون خط اندم، همه آرزوهای «مقوله» را به باد دادند، انقلاب را تازاندند و کاسه کوزه ها را شکستند و نظم و آئین و آداب گذشته را زیر رو کردند... با اینحال نباید نومید شد. هنوز کاملاً دیر نشده. فقط باید راهی جست تا بر کرده انقلاب سوار شد و این مخلوق وحشتناک و عاصی را بر سر عقل آورد. باید توی کله پوک او فرو کرد که دشمنی با غرب امیرالیستی عاقبت خوشی ندارد. گذشته ها گذشته و آنچه گذشته باید فراموش شود. عقل سلیم حکم میکند که سوء قنطم با «غرب» را فدای مصالح و «منافع» مشترک کنیم. نباید اجازه داد که دشمن واقفی، این شیخ سرخ، از آب گل آلود ماهی بگیرد.

چنین است زبان حال و دیدگاه واقفی لیبرالها، چنین است عصاره لیبرالیسم ایرانی...
اگر خط اسمیل انقلاب و خط انقلابی امام خمینی، با مضمون ضد امیرالیستی و خلقی آن، مشخص میشود، لیبرالیسم درست نقطه مقابل این خط و علیه آنست. لیبرال به مبارزه ضد امیرالیستی اعتقاد ندارد. او این مبارزه را تا آن حد لازم میدانند که قسم او را از قدرت سیاسی و اقتصادی تثبیت کند و توسعه بدهد. اما آنجا که ادامه این مبارزه محدود و تنور مالکیت خصوصی و مشروعیست سرمایه مفاکر را زیر علامت سوال قرار میدهد، آقای لیبرال اخم میکند، با ختم پایه زمین میکوبد و جنگ و دندان نشان میدهد. آقای لیبرال از خلق بیزار و ترسان است. حضور خلق در صحنه به ممتی محدودیت و مانع اوست. حضور فعال و مشارکت خلق در عرصه سیاسی و اجتماعی، یعنی ادامه و تعمیق مبارزه. و وقتی خلق خود صاحب اختیار است، آقایبالسرها، انگلها، سیاستمداران حرفه ای کرسنتین، از باب برتان عقل کل، احساس نفس تنگی میکنند.
خط لیبرالیسم، به این ترتیب، خط ضد امیرالیستی و خط خلقی انقلاب را قطع میکند. اما لیبرال این جرأت را ندارد که بطور عریان، رک و راست جلوی انقلاب بایستد و به روی آن تیغ بکشد. او زیر لوای استقلال، در برابر امیرالیسم کرتس میکند زیر نام خلق، از پشت به خلق خنجر میزند و در همان حال با قیافه حق بجانب، خود را قربان مبین دوستی معرفی میکند.
دیروز روزهائی که به این واقعت اثبات شده در تمامی انقلابها و جنبشهای خلقی جهان ما تردید میتگرد، کافی است در ارگان رسمی لیبرالهای ایران که درست با چنین فلسفه و سیاستی «میزان» شده است، اندکی تأمل و مرور کنند. آنگاه این خط زهر آلود، با همه نقش و نگار و پوششهای متنوع خود، در برابر آنها ظاهر خواهد شد.

دقایقی که بر انقلاب امجاز گرما میکشود، حاسن تر از آنست که بتوان با سامحه از کنار این دغلکاریها، که تنها و تنها جاده را برای شیطان بزرگ - امریکای جهانخواه و دیگر شیطانکا میکوبد و حقایق را دریای مطامع لیبرالها و قلب و مراد جهانی آنها قربانی میکند، گذشت، اقتضای طرفدای و سیاستهای لیبرالیستی، اینک يك وظیفه مبرم انقلابی است و این وظیفه انقلابی، کند و کاو در ارگان مرکزی و ناشر افکار و عقاید سیاسی لیبرالهای ایرانی را ایجاب می کند.

«میزان» با امیرالیسم نامیزان با انقلاب
گفتیم که خط لیبرالیسم از نقطه مقابل خط انقلاب ایران آغاز می شود. اصلی ترین و مقدم ترین خصلت انقلاب ایران، خصلت ملی، استقلال طلبانه و ضد امیرالیستی آنست؛ و بدیهی است که هدف نهائی لیبرالها بر محتوی کردن همین خصلت انقلابی و آشتی دادن آن با سرمایه انحصاری جهانی است. اما بطور لیبرالهای پیشبردمشود خود، روشهای زیرکانه ای دارند. آنها اظهار نگرانی میکنند که مبین انقلاب ما در جهان متزوی شده است. انزوای يك انقلاب، زمینه شکست آنست، و لیبرالهای کهنه کار، با قیافه دلسوز، به این تهدید اشاره میکنند. یکی از سردمداران آنها در مجلس شورای اسلامی، مساله «گروگان» گرفتن جاسوسان امریکائی را گره اصلی گرفتاریهای مملکت میخواند و فریاد میزند: «با این مشکلات ما متزوی شده ایم!» (میزان، شماره ۱۹)
و این انزوا را سببماز فلیک کشور و همه صاناب و خطر انوشکلات مینامد. سرمقاله نویسی «میزان» حتی تجاوز نظامی داوروسته صدام حسین را

تحلیلی از گزارش نهائی

«سیاست‌های توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران»

در خردادماه ۱۳۵۹، گزارش نهایی "سیاست‌های توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران" توسط نخست‌وزیری منتشر گردید. این گزارش به حکایت بیش‌کمتر آن، در ادامه گزارش‌های مقدماتی (منتشره در مردادماه ۱۳۵۸) در شورای عالی "طرح‌های انقلاب" به ریاست آقای دکتر بدالله سخاوی، وزیر مشاور وقت، به‌وسیله ۲۴ نفر از کارشناسان رشته‌های مختلف تنظیم گردیده است. ۶۴ نفر از آنان در تهیه گزارش نهایی مشارکت داشته‌اند. در پیش‌گفتار گزارش تأکید شده است که انجام این مطالعات بنا به پیشنهاد آقای مهندس مهدی بازرگان، اولین نخست‌وزیر دولت جمهوری اسلامی آغاز شده و پس از استعفا دولت موقت نیز مطالعات زیر نظر ایشان و شورای انقلاب ادامه یافته است.

هرچند این گزارش در آستانه تشکیل دولت جدید منتشر شد و به همین جهت مورد اقبال و توجه جدی قرار نگرفت و بدین لحاظ تأیید بحث و بررسی دربار "آن ضرورت نداشته باشد، ولی از آنجا که سیاست‌های پیشنهادی در گزارش دقیقاً تجلی سیاست "گام به گام" و مسرف قابل بورژوازی لیبرال در جهت متوقف کردن سیر انقلاب و ادامه نظام سرمایه‌داری و حفظ وابستگی به کشورهای استعماری است، و چون طرفداران این سیاست هنوز هم متأسفانه در ارکان‌های دولت و سایر ارکان‌ها مواضع محکم و موثری دارند، و بالاخره از آنجا که بسیاری از تهیه‌کنندگان گزارش هنوز مقامات دولتی مهم خصوصاً در سطوح برنامه‌ریزی را در اختیار دارند، و بنا بر این در آینده نیز می‌توانند نظرات و تأییدات سازشکارانه خود را به نحوی در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت القا کنند، لذا ترجیح می‌دهیم، هرچند به‌طور مختصر، تجزیه و تحلیلی از این گزارش به عمل آوریم، یادآور می‌شود که، چون گزارش بسیار مفصل است و در برخی از موارد نیز از حد "سیاست" تجاوز کرده و به امور اجرایی و تفصیلی در سطح "بروکرام" یا "پروژه" پرداخته است، لذا فقط به بررسی کلی در باره سیاست‌های پیشنهادی می‌پردازیم.

۱- تثبیت نظام اقتصادی دوران رژیم طاغوت

گرایش حاکم بر گزارش، که بی‌شک تحت تأثیر لیبرال‌ها تنظیم شده است و نخست‌وزیر بسیاری از مسئولین دولت موقت نمایندگان آن بودند، ایجاد شرایط برای تثبیت نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم رانتکیلی می‌دهد.

نظام یا سیاست گزارش تأکید می‌کند که محل اساسی و مکان قانونی آن "اساسنامه شوراهای طرح‌های انقلاب" - مصوب ۱۳۵۸/۱/۱۸ هیئت دولت بوده است. ولی تأمل در این اساسنامه و آنچه به عنوان هدف "شورای عالی طرح‌های انقلاب" در گزارش بر آن تأکید شده، ملاحظه می‌گردد که، تهیه کنندگان گزارش سهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه خود را نادیته گرفتند، زیرا به‌طور صریح گزارش، هدف "شورا" در دهه اول تعیین مشخصات و طرح ویژگی‌های نظامی تشکیل‌دهنده جامعه آینده ایران در جمهوری اسلامی و در مرحله بعد، بررسی راه‌های نیل به آن بوده و ماده ۲ اساسنامه، وظیفه اولیه "شورا" را تهیه طرح نظام‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی جامعه ایران (۱) اعلام کرده است.

تعمین چنین وظیفه‌های طبیعی و ضروری است، زیرا برای تدوین هرگونه سیاست و یا تهیه هر برنامه باید بدو نظام و "سیستم" جامعه آینده مشخص شود. تا علوم گردانده، با اجرای این سیاست‌ها با برنامه‌ها، به سوی استقرار چه نظامی حرکت می‌کنیم. در این زمینه ابتدا باید نظام جامعه آینده و ساختارها و پیوندهای ارگانیک آن‌ها با یکدیگر و بالاخره عمل کرد (موتوسکون) سیستم مشخص شده، و آن گاه سیاست‌ها و برنامه‌ها و پایه عبارت مندرج در اساسنامه "راه‌های نیل به آن" تدوین می‌گردند. اما تهیه کنندگان گزارش این وظیفه ابتدایی و اصلی خود را نادیته گرفتند و مستقیماً سیاست‌ها را تهیه و اعلام کرده‌اند، بدون آن که مشخص کنند با اجرای این سیاست‌ها چه نظامی در جامعه استقرار خواهد یافت.

با اندک دقت در محتوای گزارش می‌توان به این نتیجه رسید که، این بخش ناشی از غفلت یا سامخ نبوده، بلکه عکس، گروهی از تهیه‌کنندگان گزارش عمداً از تصریح نظام مورد نظر خود در گزارش خودداری کردند، زیرا آنان می‌دانستند که در جامعه ما نظام سرمایه‌داری وابسته استقرار داشته‌بوی از انقلاب این مسئله اساسی طرح شده است که: "با تأیید به "نظام سرمایه‌داری" و در نتیجه وابستگی ناشی از آن ادامه داد، و نا باید با قطع رتبه سرمایه‌داری، و موحات تأمین استقلال اقتصادی و سیاسی و فرهنگی رافراهم کرد. تهیه‌کنندگان گزارش، همان طور که روشی خواهم کرد، در مجموع هوادار ادامه نظام سرمایه‌داری بوده‌اند، ولی از آنجا که می‌دانستند مردم انقلابی با هیچ صورت حاضر به تحمل این نظام و عواقب و عوارض آن نیستند، لذا ترجیح دادند که از تصریح نظام آینده خودداری کنند، ضمن بازی با الفاظ و دادن چند شعار "انقلابی"، علا نظام سرمایه‌داری و وابستگی را پیشنهاد کنند.

قانون اساسی و سیاست‌ها

گزارش نهایی در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ تکمیل و منتشر گردیده است. این تاریخ حدود هشت ماه پس از تصویب قانون اساسی در مجلس خبرگان و شش ماه بعد از تأیید این قانون توسط امام خمینی و تصویب آن در فروردین ماه می‌باشد. بدین ترتیب تهیه کنندگان گزارش فرصت و امکان کافی برای مطالعه اصول قانون اساسی و تطبیق سیاست‌های پیشنهادی در جهت مصادرات اصول این قانون در اختیار داشته‌اند. ولی دقت در معاد گزارش روشن می‌گردد که در سراسر فصول و صفحات آن، حتی یک بار از قانون اساسی و یا یکی از اصول آن نام برده نشده، و به عکس، در بسیاری از موارد سیاست‌های پیشنهادی دقیقاً خلاف اصول این قانون است. یادآوری می‌شود که هرچند اصول قانون اساسی دارای نقایص و نارسایی‌های جدی است و این نقیصه را نظر رهبر انقلاب نیز صحتی نمانده و لذا تهیه مضم قانون را دستور داده‌اند (۲)، ولی در همان حال باید تأکید کرد که اصول قانون اساسی در بسیاری از جهات دارای جنبه‌ها و نکات مترقی است و اجرای

- ۱) به منظور رعایت اختصار در همه موارد فقط شماره صفحه گزارش ذکر می‌گردد.
- ۲) این تذکر را باید داد که از بین همه سازمان‌ها و گروه‌ها و تشریفات و شخصیت‌ها، امام از آنجا که قانون اساسی را تأیید کرد و با آن برای ندادند، فقط حزب توده ایران سرخورد جدی با آن داشته و یکایک اصول مصوب را مورد بررسی و انتقاد سازنده قرار داده است.

صحيح آن می‌تواند بسیاری از انتظارات مردم انقلابی ما را تحقق بخشد. این جنبه‌ها به ویژه در فصل اقتصاد و اموریالی و حقوق دموکراتیک مردم قابل توجه است. اما تهیه کنندگان گزارش نه تنها همه این موارد اصول را نادیده گرفتند، بلکه سیاست‌های خود را، خصوصاً در زمینه‌های اقتصادی، در جهت نقض این اصول پیشنهاد کرده‌اند.

نواستعمار و وابستگی اقتصادی

می‌دانیم که عمده‌ترین مانع در راستا توسعه و تکامل کشور ما سیاست‌نویسان استعماری کشورهای امپریالیستی و انحصارات بین‌المللی در زمینه "تعمیم و تشدید وابستگی اقتصادی و سیاسی و نظامی میهن ما به این کشورهاست، و در آینده نیز جز از طریق مبارزه جدی و قاطع با امپریالیسم ما به سرگردگی آمریکا، قطع وابستگی، توسعه و تکامل کشور ممکن نخواهد بود. سلسله امپریالیسم و پیاده‌های محراب آن چنان مشخص و قابل لمس است که توده‌های میلیونی مردم میهن ما هدف اساسی انقلاب را در این مرحله عمومی تشخیص داد و مبارزه با امپریالیسم را در صدر خواست‌های انقلابی خود قرار داده‌اند.

با این همه، جالب توجه است که در سراسر این گزارش ۲۵۴ صفحه‌ای، حتی یک بار از استعمار و نواستعمار، از امپریالیسم و وابستگی اقتصادی و سیاسی و نظامی به امپریالیسم سخن نرفته‌است، حتی در آنجا که تهیه‌کنندگان گزارش ناچار شده‌اند از "وابستگی اقتصادی" نام ببرند، صرفاً و مطلقاً از "وابستگی اقتصادی به دیگر کشورهای جهان" (صفحه ۷۲) یاد کرده و راه‌های از این وابستگی، یعنی وابستگی به "دیگر کشورهای جهان" را توصیه کرده‌اند. راه‌های از وابستگی به "دیگر کشورهای جهان"، علاوه بر معنای قطع رابطه با تمام کشورهای دیگر جهان، یعنی عملی ناممکن است. هدف گزارش از ذکر مطلق "وابستگی به دیگر کشورهای" در واقع منحرف کردن اذهان و آزر بر زمین خارج کردن امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم آمریکا - سرچشمه تمام بدبختی‌ها و مآذیب مردم مستعبد میهن ما است. درحالی دیگر نیز که از عدم وابستگی به قدرت‌ها" (صفحه ۲۶) به‌طور مطلق سخن می‌رود، باز از همین هدف پرهیزی می‌شود.

اسلام و سیاست‌های پیشنهادی

در طول قرون، اسلام و مذهب تشیع همواره به‌دور صورت اساسی در جوامع اسلامی تجلی و معرفی شده است. از یک طرف، گروهی از روحانی‌نمایان و یا به قول امام خمینی "عواظ السلاطین" کوشیده‌اند که اصول و مقررات اسلامی را در جهت تحکیم حکومت‌های جابر و توجیه ظلم و استعمار تاول کنند، و از طرف دیگر اسلام همواره پرچم نهضت‌های حلقی علیه سلاطین و مستکبران بوده‌است. خصوصاً در یک قرن اخیر بسیاری از علما و روحانیون اسلامی و به‌ویژه تشیع، برخلاف گروه‌های دیگر، کوشیده‌اند ثابت کنند که احکام اسلام ناظر بر حمایت از مستضعفین و علیه ستم‌و جور و استعمار بوده است. زنده‌یاد دکتر شریعتی این دین‌دوستان را "تشیع صفوی و تشیع علوی" نامیده است، و آن‌طور که اخیراً رایج شده، این دین‌دوستان اسلام، تحت عنوان "اسلام کاورتی" و "اسلام خمینی" از یکدیگر تمیز میکنند.

تهیه‌کنندگان گزارش هرچند در مقدمه بعضی فصول، آیات قرآنی با احادیث و روایات علی بن ابی‌طالب و سایر ائمه را مستند قرار داده‌اند، ولی سرانجام، علی‌رغم همه این‌ها، در جهت تثبیت مالکیت و توجیه استعمار کوشیده‌اند. این کارشناسان ده‌ها بار در قرآن، که به "قسط" و "عدل" حکم می‌کند، نادیته گرفتند و فراموش کرده‌اند که امام خمینی خصوصاً در آیه ۴۴ سوره قصص را شعار اساسی انقلاب قرار داده، و به استناد آن، تبدیل مستضعفین به "پیشوایان" و وارثین در روزی زمین را هدف انقلاب معرفی کرده‌اند. در گزارش، به جای همه این‌ها، به قسمتی از آیه ۳۶ سوره مائمه تأکید می‌گردد و نتیجه گرفته می‌شود که:

"آنچه فرزندان و مردان کب کرده‌اند، متعلق و ملک آنان است." (صفحه ۱۹۷)

حال آن که می‌دانیم، بسیاری از احکام اسلام چنین اطلاق را نه پذیرفته است. به علاوه به موجب قاعده "لا ضرر" و اصول و احکام دیگر، می‌توان و باید مالکیت را به نفع جامعه محدود کرد.

نظام اقتصادی، مالکیت و بخش‌های بنیادی

گزارش درباره "سیاست‌های توسعه و تکامل"، بدون آنکه صراحتاً بیان شود، در عمل ادامه راه رشد سرمایه‌داری را برای کشور ما پیشنهاد می‌کند. در این گزارش هر چند به بخش بنیادی اقتصادی، یعنی بخش آزاد، بخش مختلط و بخش دولتی تمکیک می‌گردد (حالی توجیه این حالت که اصل ۴۴ قانون اساسی به بخش دولتی و تعاونی و خصوصی راذکر می‌کند، ولی گزارش، قانون اساسی را آشکاراً نادیده گرفته و این تقسیم‌بندی جدید را پیشنهاد می‌کند) ولی با دقت بیشتر مشاهده می‌شود که، اساسی اقتصاد پیشنهادی در بخش خصوصی است و واقع سرمایه داران به عهده خواهند داشت (هرچند گزارش کوشیده است تا به‌کار بردن اصطلاحات "آزاد" یا "مردمی" ظاهر قصبه را درست کند).

در این گزارش، بخش خصوصی ظاهراً شامل واحدهای کوچک و متوسط تولیدی و خدماتی می‌شود (صفحه ۱۲) و در این بخش صرفاً سازوکار بازار و مکانیسم قیمت حکومت می‌کند (صفحه ۲۵).

تهیه کنندگان گزارش بارها تأکید می‌کنند که دولت نباید مداخله‌ای در فعالیت این بخش داشته باشد (صفحه ۲۴) مگر برای دفاع از این بخش در مقابل ادارات دولتی (صفحه ۳۵).

در گزارش بخش مختلط نیز عملاً در اختیار سرمایه‌داران خصوصی است و مشارکت دولت فقط برای تقویت این واحدها انجام می‌گردد. تهیه‌کنندگان گزارش درباره "این بخش تا آنجا پیش می‌رود که، این موحات می‌توانند انحصار یا شبه انحصار به وجود آورند و حتی در این صورت هم دولت فقط باید به هدایت این واحدها اکتفا کند!" (صفحه ۳۷).

گزارش در همه جا نقش اصلی دولت را محیط سازی جهت رشد بخش آزاد و جلب اعتماد آنان معرفی می‌کند (صفحه ۳۹ و ۴۰) و در مورد بخش دولتی در اقتصاد نیز در واقع یک نوع نقش محیط سازی، برای بخش خصوصی پیشنهاد می‌شود. زیرا این سیاست‌های پیشنهادی ایجاد واحدهای دولتی را فقط در یکی از سه زمینه زیر توصیه می‌کنند:

- زمینه تولیدی با منافع اجتماعی زیاد، ولی سود ناگافی برای جلب بخش آزاد و با مختلط.
- زمینه‌های سرمایه‌گذاری زیاد و دوره فراهم سازی با بازاری طولانی.
- زمینه‌ها با اهمیت استراتژیک یا امنیتی و غیره. (صفحه ۴۰).

به‌طوری که دیده می‌شود، این زمینه‌ها عیناً منطبق با زمینه‌هایی است که در دوران رژیم گذشته نیز دولت به سود سرمایه‌داران در آنها فعالیت می‌کرد.

در نظام سرمایه‌داری، که سرمایه‌داران به منافع فوری خود از طریق غارت زحمتکشان توجه ویژه دارند، همواره دولت را وادار می‌کنند که در

واحدهای مستلزم سرمایه‌گذاری زیاد و با دوره فراهم سازی طولانی و نظایر آن سرمایه‌گذاری نماید و بدین ترتیب محیطی فراهم کند. تا آن‌ها، با بهره‌برداری از امکانات فراهم شده از طریق دولت، بتوانند در واحدهای با سود بیشتر و سریع‌تر سرمایه‌گذاری کنند.

طراحان "سیاست توسعه و تکامل" ما نیز این خواست سرمایه‌داران را فراموش نکرده‌اند و دقیقاً همان رشته‌هایی را به بخش دولتی اختصاص می‌دهند که بخش خصوصی، به بیان رژیم گذشته، "نمی‌خواهد یا نمی‌تواند" در آن سرمایه‌گذاری کند! در گزارش حتی امکان واگذاری بخش‌هایی از صنایع نفت به بخش خصوصی پیش بینی شده است!

به موجب اصل ۴۴ قانون اساسی، کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، مادن بزرگ، بانک داری، بیمه، تأمین نیروی بس‌ها و شبکه‌های بزرگ آب رسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه‌آهن و مانند این‌ها سهم بخش دولتی است. به علاوه اصل ۴۵ تمام صنایع طبیعی را انفال و در اختیار حکومت اسلامی می‌شناسد.

مقایسه این اصول با آنچه که در گزارش مطرح شده‌است، نشان می‌دهد که، طراحان گزارش با چه حد از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فاصله گرفته‌اند.

جلب اعتماد بخش خصوصی

تنظیم کنندگان "سیاست‌های توسعه و تکامل" نگرانی خود را پنهان نداشته، کار را لزوم جلب اعتماد بخش خصوصی را، که در واقع همان سرمایه‌داران وابسته هستند، یادآوری می‌کنند. آنان در این زمینه تا آنجا پیش رفته‌اند که، در مورد فرار سرمایه از کشور، صریحاً اعلام می‌کنند که: "چنانچه سیاست‌های مربوط به محیط اقتصادی از دست‌نزدتین و تدوین و اعلام می‌گردند، بخش عظیمی از این ثروت در کشور می‌ماند." (صفحه ۱۹۱).

گویی گزارش‌دهندگان فراموش کرده‌اند که سرمایه‌های مراری، به‌طور صدها متعلق به درباریان، مقامات عالی کثوری و لکنری و سرمایه داری وابسته بود، و این غارتگران که جان و مال خود را در خطر می‌دیدند، ترجیح دادند که اموال غارت شده را به خارج منتقل کنند و خود از کشور بگریزند. لذا ادعای باقی ماندن "بخش عظیمی از این ثروت در کشور" ادعای نا درستی است. گمان می‌کنیم که پس از انقلاب نیز سرمایه‌داران بزرگ و وابسته باقی‌مانده، که از وام‌ها و اعتبارات دولتی استفاده کرده بودند، این مبالغه را، به انضمام پرچوم حاصل از فروش کالاهای ساخته شده و مواد اولیه موجود، به ارز تبدیل کردند که به خارج گریختند.

حالی این است که گزارش تأکید می‌کند که صاحبان صنایع موجود نه تنها رغبت و تمایل به رفع مشکلات ندارند، بلکه در برخی موارد دکارشکی می‌کنند، اوضاع را به هم می‌ریزند (صفحه ۸۳).

با این وصف آقای می‌توان باور کرد که این صاحبان صنایع که به غارت‌گری عادت کرده‌اند، در آینده در خدمت انقلاب خواهند بود، و به قول تنظیم کنندگان گزارش، به سود "مفقول و مشروط" رضایت خواهند داد؟ تهیه کنندگان گزارش، با تفکیک مالکیت از مدیریت (صفحه ۸۵)، بر آنند که سرمایه‌داران خصوصی حتی می‌توانند در واحدهای سرمایه‌گذاری کنند، ولی خود فعالیت در آن نداشته باشند و فقط سود باندرواق سهم خود را از استعمار کارگران جمع‌آوری کنند. و چون این پیشنهاد بدون هیچ قید و شرطی مطرح می‌شود، در واقع دنباله همان سیاست رژیم گذشته است و هدفش ایجاد یک قشر طفیلی نزول خواران سرمایه مالی است. به علاوه گزارش با قائل شدن اولویت برای واحدهای کوچک (صفحه ۸۱) در واقع در صدد تشدید وابستگی اقتصاد ماست. در حالی که برای رفع با تعدیل وابستگی، باید صنایع اساسی و صنایع تولید ماشین آلات و صنایع بزرگ تبدیلی در کشور به وجود آیند، تا بتوانند، با استفاده از صنایع موجود، تولید کنند و احتیاجات صنایع کوچک را تهیه نمایند.

مسئله دهقانان و مالکیت در روستاها

تحقیقات علمی و بررسی‌های تاریخی روشن کرده است که یکی از شرایط استقرار و گسترش نظام سرمایه‌داری را ورشکستگی و مهاجرت روستائیان به شهرها تشکیل می‌دهد. استقرار کارگران اساسی سرمایه‌داری است. چون رشد تولید و گسترش سرمایه‌داری مستلزم نیروی کار جدید را مطرح می‌کند، سرمایه‌داران همواره به تعدادی کارگر بیکار در شهرها نیاز پیدا می‌کنند، تا بتوانند آن‌ها را به‌طور موقت با دائم استخدام کنند. این روند در کشور ما خصوصاً پس از سال ۱۳۳۱، یعنی در جریان تحکیم نظام سرمایه داری وابسته و همراه با اصلاحات ارضی نیم‌بند رژیم گذشته و مهاجرت وسیع روستائیان به شهرها تشدید شد. ایجاد شرایط برای این مهاجرت، خود یکی از هدف‌های اصلی نظام گذشته بود. بدین ترتیب روستائیان که در معرض غارت بزرگ مالکان بودند و با گسترش روابط سرمایه‌داری در روستاها، که اصلاحات ارضی شرایط مناسب برای آن بوجود آورده بود، ورشکست می‌شدند، با دیگر نمی‌توانستند در روستاها زندگی کنند، و ناچار به شهرها مهاجرت می‌کردند. اما گزارش همه این عوامل را نادیده گرفته و فقط "گهی با نبود اشتغال، خدمات و امکانات رفاهی در روستاها را" (صفحه ۶۶) علت مهاجرت شناخته است!

این "عدم توجه" نه تنها در زمینه مهاجرت، بلکه در بررسی علل پایین بودن درآمد روستائیان و کمبود تولیدات کشاورزی و بالاخره ارائه راه حل نیز مشاهده می‌گردد.

بزرگ‌ترین دشواری روستاهای ما را نظام بزرگ مالکی تشکیل می‌دهد. به همین جهت مهم‌ترین و مبرم‌ترین خواست روستائیان مانیز سلب مالکیت از مالکین بزرگ و تقسیم اراضی آنان بین کشاورزان کم زمین و بی‌زمین بود و هست. به خاطر این خواست و بر اثر مبارزات دهقانان بود که سرانجام تمایل به ادامه نظام مالکیت گذشته، که بر سیاست دولت موقت حاکم بود جای خود را به طرح استاد رضا اصفهانی و بالاخره تصویب قانون تعیین تکلیف اراضی کشاورزی داد. ولی تهیه کنندگان گزارش همه این جریان‌ها را نادیده گرفته و آرزوی ادامه نظام مالکیت گذشته را منعکس کرده‌اند. گزارش با اینکه فقر روستائیان را اعتراف می‌کند (صفحه ۷۶)، ولی اصلاً آن را به غارت مالکین بزرگ مربوط نمی‌داند و به همین جهت برای رفع آن حل مشکل مالکیت و واگذاری زمین به روستائیان را تأکید نمی‌کند. بلکه فقط به برنامه‌ریزان توصیه می‌کند که اختلاف درآمد شهر و روستا را تعدیل کنند (صفحه ۶۷). در جایی هم که تهیه کنندگان "سیاست ناچار می‌شوند که به مسئله مالکیت و تقسیم اراضی بپردازند، باز هم با صدور حکمی کلی و مبهم، توصیه می‌کنند که:

"شرایط و وسایل تقسیم اراضی بین دهقانان، به نحوی که با صاحب زمین خود شوند و با حق بهره‌برداری به آنان تعلق گیرد، فراهم شود." (صفحه ۷۹).

ملاحظه می‌گردد که در این توصیه نیز سلب مالکیت از مالکین بزرگ و تقسیم اراضی بین دهقانان قاطع و مبرح بیان نشده و حتی با پیش بینی بقیه در صفحه ۶

بانشکیل کمیته‌های دفاع در کارخانه‌ها خرابکاری‌های دشمن را خنثی کنیم

انقلاب و دستاوردهای آن از جانب امپریالیسم آمریکا تدارک می‌شود. طبقه کارگر ایران، در همه مرصه‌ها اکنون بدفاع از میهن انقلابی بر خاسته است. او با وجود مرموزیت مرموز خویش، از نان و نیا ز خویش می‌گاهدوبه مردفعا کمک مالی می‌کند. مهم تر از آن، طبقه کارگر از یگانه تروت خویش، جان و نیروی کارش سودمی جویدو آن راه جبهه جنگ ارزانی می‌دارد.

این روزها صفات جرابدا از اعلام آمادگی کارگران برای اعزام به جبهه جنگ میهنی، سرشار است. همه کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی، کارکنان موسسه‌های، کوناگون، شوراهای سندیکاهای کارگری، یکپارچه به دفاع از انقلاب و میهن و جمهوری اسلامی ایران ایستاده‌اند. و آماده‌اند، تا همه تن سلاح بگیرند و چون ستاره‌ای بر ظلمت دشمن جنگ آفرین و نابکار فرودآیند.

این همه به تنهایی نایسته است. لیکن در مقام کارگران، نکته اصلی ناگفته خواهد ماند، اگر چه وجه ویژه و خطر کارگران، یعنی پاسداری از تولید و نگهداری جرخ‌های کارخانه‌ها و مقابله با ضدانقلاب گستاخ و بالابردن روحیه غلابت، ابترکار روتوآوری و... اشاره ای نشود.

طبقه کارگر، به لحاظ موقعیت خاص خود، قدرت جمع آمدن، متحدشدن و سازمان دادن دارد. طبقه کارگر پیش

وزارت کار و امور اجتماعی، با انتشار اعلامیه‌ای، لزوم تشکیل گروه‌های امداد و نجات در کارخانه‌ها را تاکید کرد. در این اعلامیه، این تصمیم به علت خطر بسیار و واحد های تولیدی صنعتی و به منظور مقابله با آتش سوزی و سبب ناشی از ویروانی ساختمان‌ها ذکر شده است.

به همین منظور گروه‌های نجات کارخانه‌ها، متشکل از ماورین ایمنی کارگاه، بزرگ کارگاه و کسانیکه در رشته کمک‌های اولیه دوره دیده‌اند، ماورین آتش نشانی کارگاه، نماینده کارگران و دیگر افرادی که دوره نجات و امداد دیده‌اند، تشکیل می‌شود.

در اعلامیه، وزارت کار و امور اجتماعی آمده است: کارگاه‌هایی که فاقد افراد آموزش دیده در رشته کمک‌های اولیه و آتش نشانی می‌باشند، می‌توانند افرادی را به مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار... معرفی نموده تا در مرکز مذکور آموزش لازم را ببینند.

این همه به تنهایی نایسته است. لیکن در مقام کارگران، نکته اصلی ناگفته خواهد ماند، اگر چه وجه ویژه و خطر کارگران، یعنی پاسداری از تولید و نگهداری جرخ‌های کارخانه‌ها و مقابله با ضدانقلاب گستاخ و بالابردن روحیه غلابت، ابترکار روتوآوری و... اشاره ای نشود.

تشکیل کمیته‌های آمادگی و گروه‌های امداد و نجات، اقدامی است که در شرایط حساس کنونی ضرورت تام دارد. دشمن جنایتکار، در تلاش مذموبانه خود برای شکست ما، از جمله به تاسیسات صنعتی و تولیدی ما حمله ور شده، آنها را بمباران می‌کند. دشمن با حمله به تاسیساتی از قبیل صنایع فولاد، ذوب آهن، نیروگاه‌ها، کارخانه‌های ایران ناسیونال و مراکز تصفیه نفت و خطوط انتقال و تلمبه‌خانه‌ها و... تاکنون نشان داده است که این عملیات را بر نامه ریزی شده و در جهت نابودی اقتصاد کشور ما و فلج کردن مراکز تولید، درآینده نیز ادامه خواهد داد.

● هم اکنون کارخانه‌ها به ستاد بسیج انقلابی تبدیل شده است
● با ضدانقلاب باید قاطعانه مبارزه کرد
● شهادت شش تن از کارگران ایران - ناسیونال، شهوند و هلیکوپتر سازی و خطر مبرم حمله دشمن، تاکید است بر ضرورت مطلق آموزشهای نظامی کارگران

از همه اقشار جامعه زیرستم سرمایه امپریالیستی است و ناگزیر برای گسستن زنجیر همگین امارت، بسا تدارک سلاح اتحادیه مبارزهای بی‌امان دست می‌زنند و با این مبارزه جامعه را سرانجام از اسارت ناپرایی‌ها و دستم‌ها خواهد رهاند. اگر می‌بینیم که کارخانه‌ها هم اکنون به ستادهای بسیج انقلابی برای حفظ آنگ تولید و بالابردن آن، برای مقابله با حملات دشمن و نیز برای گسب آمادگی مبارزه در سنگر و در جبهه نجات و امداد و مددومین و مجروحین حملات دشمن، تبدیل شده است جای شگفتی نیست. قهرمانی طبقه کارگر نگشته‌ای است که باید همه جا و در حدتایسته آن حساب آید. کمیته دفاع در کارخانه‌ها باید برنامه روشن همه جوانب کار را در واحدها دربرگیرد:

- جلوگیری از فرار و پناهنده شدن کارگران را - سد کنند.
- بر تولید و آنگ آن نظارت کنند.
- بست‌های مراقبت و نگهبانی از آنها را سالن‌ها و ماشین آلات را فراهم آورد.
- آموزش‌های نظامی را زیر نظر ستاد بسیج مستضعفین برای همه کارگران عملی کنند.
- کار تهیه مواد خام و وسایل بدکی و قطعات لازم را سازمان دهد.
- بر حقوق کارگران، مزایای قانونی و نیازهای واقعی آنان نظارت کند و اجازه ندهد که کوچکترین

دشمن به پیروی از طرح تجا و زکارانه امپریالیسم آمریکا، انقلاب ما را هدف گرفته است و نابودی بنیینه صنعتی و تولیدی ما را از این نظرگاه دنبال می‌کند. امپریالیسم آمریکا، خواهان ایجاد آنجسبان - شرایطی است که در جامعه انقلابی ما سنگ بر روی سنگ نمانده باشد. شیرازه‌ها، موازیم، یکسند و مواج سببگین متکلات کوناگون، یکی پس از دیگری، بیکرانقلاب را در هم کوبند. تا توده‌های انقلابی در مبارزه خود به منظور کسب استقلال و برای نوسازی میهن، در عمل به بن بست کشانیده شوند. امپریالیسم آمریکا با این طرح در حقیقت به محمل‌ها و وسایل لازمی می‌اندیشد که عملاً وابستگی ما را نه تضعیف و نه نابود کند. سهل است، آن راهبر - شتاب و کاملاً احیا کند.

شیطان بزرگ بلطایف الحیل می‌گوید، تا با تدارک ویرانی کشور ما، روزی را نزدیک کند که ما دست دوستی خویش را بسوی او دراز نکنیم و نیاز خود را به تلبه با منت (؟) از او نخواهیم تا با کمک‌های انسانی، فنی و مالی خویش، ما را از درافتادن به سواشیب نابودی کامل حفظ کند (!)

بدیهی است که روباها نکارا امپریالیسم به هر وسیله ممکن و به هر قیمت می‌کوشد، تا چنین روزی فرا رسد. ولی آن‌ها در سایه شیطانی خویش اراده می‌بینند، ایرانی، بویژه صفوف میلیونی کارگران انقلابی را تا دیده می‌گیرند و همین عامل شکست تمام می‌توطئه‌هاست. کارگران ایرانی در تمام نقاط عطف سرنوشت - ساز تاریخ ایران سهم شایسته خویش را به تاریخ و به میهن و به خلق آدا کرده‌اند. آنان با راه‌پوزنه متناوبین رابهاگ مالیده‌اند. نشتگران قهرمان ایران، که - بزرگترین ضربه را بر شرکت امپریالیستی غاصب نفت انگلیس، در دوران جنبش ملی‌شدن صنعت نفت وارد کردند. این بار مرمز جزم کرده‌اند که دشمن اصلی همه زحمت کثا ن جهان امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، را برای همیشه از میهن خود خارج کنند.

طبقه کارگر ایران، جنگ تجا و زری جاری را هر چند که این بار دست آمریکا در آستین مدام است، حلقه‌ای از سلسله توطئه‌های ارزیابی می‌کند که منظور نرلودی

حقی از کمی‌های خود، کار ملی شدن و معادله کارخانه‌های بزرگ و بیرون راندن آبادی امپریالیسم آمریکا را در ارتباط مستقیم با سازمان صنایع ملی شده، با پیگیری دنبال کند.

- در تهیه پناهگاه، تهیه کپول‌های آتش- نشانی، کمک‌های اولیه و وسایل ضرورتی فوراً بکوشند و کارگران را تا سطح قابلیت کامل جهت استفاده از این وسایل تمرین و آموزش دهند.

- با کمیته‌های دفاع در مبارزه کارخانه‌ها در تماس منظم باشند و هماهنگی لازم را برای منقرذکردن عمل - کردضدانقلاب در واحدهای تولیدی پدید آورد.

اینها و دیگر وظایفی را که از متن مسائل جاری برمی‌خیزد، با تشکیل کمیته‌های دفاع و تشکیل از نمایندگان کارگران و کارکنان و مدیریت کارخانه‌ها می‌توان و باید با قاطعیت دنبال کرد.

دشمن در تجا و زگسترده خویش از بیاری جبهه ضد - انقلاب جهانی و تمامی شیوه‌های معروف و نامحدود آن سرخوردار است. برای مقابله با همه دتواری‌ها باید با هزار چشم و از هر جایی بلند اتعادل عمل، وسایل را رصد و خطوط ویژه طرح‌های عملی را ترسیم کرد.

خطر لحظه هست. این خطر هم جان‌ها را شامل می‌شود. آنطور که شش تن از کارگران ایران ناسیونال، شهوند، و هلیکوپتر سازی را شهادت رسانید، هم بناها سالن‌ها و انبارها را در هم می‌کوبد، هم ذخایر صنعتی و تولیدی را نابود می‌کند و سرانجام جرخ کارخانه‌ها را متوقف می‌کند.

برای مقابله با این خطر، آمادگی قبلی لازم است. آموزش لازم است. سازمان دهی و برنامه ریزی لازم است. همگامی و همکاری بخش‌های کوناگون موجود در واحدها لازم است. برای مقابله مؤثر با این خطر، حتی در خود کارخانه نیز پشت جبهه‌ای مطمئن مورد نیاز است.

بدیگر سخن، باید ضدانقلاب را در جبهه تا بهمه پرداز و تفرقه افکن، ما را جو رساله ساز، فاشله آفرین و توطئه انگیزش شناخت و منقرذ کرد. این دشمن می‌تواند بقایای مومل ضد انقلابی با واک و مناسر خود فروخته مزدور ضد انقلابیون را شامل شود، که در ماسک‌های کوناگون جب‌نمایی و اسلام پناهی، خاک در چشم حقیقت می‌پاشند و سلاح زنگ زده خود را با صفتل ناتوان بهانه‌ها، کمبودها، اختیارات، نارسائی‌ها و ندانم کاری‌ها به حرکت در می‌آورند.

ضدانقلاب گروهک‌های ما شوقیستی را نیز شامل می‌شود که، به هر وسیله ممکن می‌کوشند، افراد را، نسبت به همه آنچه‌می‌گذرد، بدبین کنند و با خنثی کردن انرژی جوانان کارگران در دفاع از انقلاب، رسالت (!) خود را در همگین منافع آمریکا امپریالیست، سردهسته فارتگران جهانی به انجام رسانند.

آنان با شما جت در تبلیغ نظرات ضد انقلابی - ولی گاه عوام‌فریبانه خویش جای ویژه‌ای را در تحقق نقشه‌های شوم امپریالیسم آمریکا، جهت تضعیف جبهه درونی انقلابی اشغال می‌کنند. نسبت به شناخت و طرد این منافعینز کمیته‌های دفاع قطعا مسئولیت خود را خواهند داشت.

و سرانجام یادآوری این نکته بجاست که بهترین وظیفه کنونی، دفع تجا و ز رژیم جنایتکار مدام حسین، است. اقتصاد ملیست صنعتی و تولیدی ما، برای این که به امر جنگ میهنی پاری رساند، با بدجنسی با شتر، اقتصاد ما را با بدبطور عمده در خدمت ارضای نیازهای ناشی از جنگ قرار گیرد. کارگران نیز سربازند و جبهه گسترده کارخانه‌ها هدف استراتژیک دشمن است. بنا بر این برای پاسداری از تولید و نگهبانی از امکانات موجود و ایجاد شرایط برای رشد شرایط مساعد، باید با تشکیل کمیته‌های دفاع در کارخانه‌ها، خرابکاری‌های دشمن را در تمامی ابعاد خنثی کرد.

کارگران مبارز ایران! در یکدست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید

درباره کارخانه‌های چای سازی «املش»

در حال حاضر مسایل زیر برای کارگران وجود دارد:

- ۱- کلیه کارخانه‌ها با وجود گرد و خاک فراوان، در محل «ختک» و «انبسار ختک»، فاقد کانال کشی و تهویه‌های لازم برای انتقال گرد و خاک حاصل از جای ختک به بیرون از کارخانه هستند. فقدان این وسایل سلاستی کارگران را تهدید می‌کند.
- ۲- کارخانه‌ها فاقد یک سرویس بهداشتی و دوش جهت استحمام هستند و کارگران بعد از قریب ۱۸ ساعت کار در شبانه روز، قادر به یک استحمام و شستن قمار ناشی از جای ختک شده نیستند.
- ۳- وضع غذا و زندگی کارگران در کارخانه‌ها بسیار نامناسب و غیر بهداشتی است. آنان محلی برای خوردن تهنار ندارند.
- ۴- کارگران حواستار رسیدگی به این حواستار و جلوگیری از اعمال فشار کار - برما هستند.

۵- چای سازی شرکت‌های «جور کار» بیش از نصف سرمایه آن به حدود ده نفر از باغداران و بازاریان و بقیه سهام آن به کشاورزان خرده‌پا تعلق دارد و حدود سیست تا سیست و پنج نفر در آن مشغول به کار هستند.

۶- چای سازی هدایت زاده، مالکیت این کارخانه نیز خصوصی است و در آن حدود ۲۵ تا ۳۵ نفر بطور قطعی کار می‌کنند.

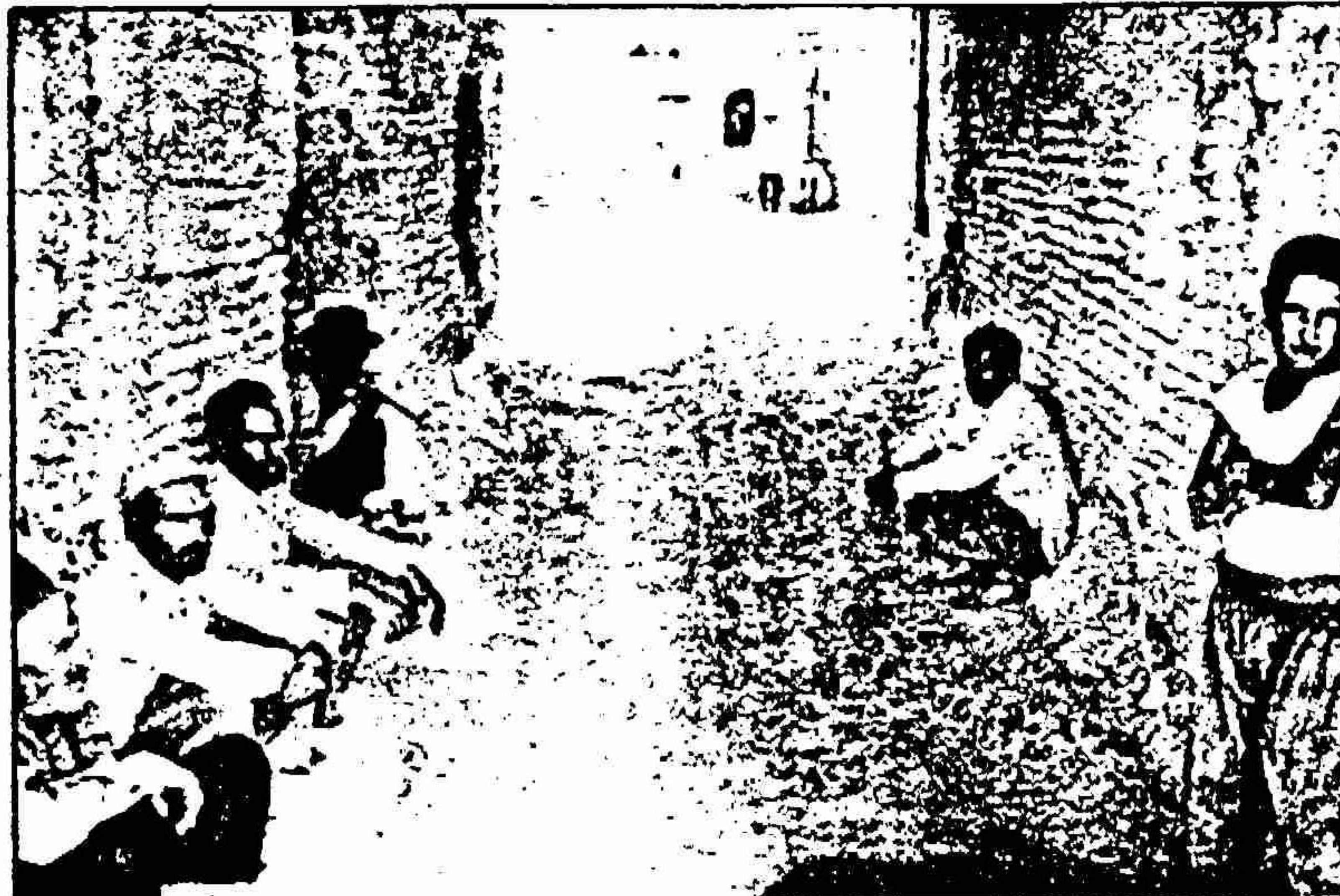
کارگران این کارخانه‌ها برای دفاع از حقوق صفی خود در هیچ تشکیلاتی عضویت ندارند، و چون بطور قطعی کار می‌کنند، اخراج شدن از کارخانه همواره آنها را تهدید می‌کند.

کارگران بطور کلی از وضع کارخانه‌ها و شرایط کار خود ناراضی هستند و از این شرایط شکایت دارند. اعتراض و شکایت کارگران گاهی باعث تعطیل کارخانه‌ها می‌شود. اس اعتراضات بیشتر در مورد اخراج کارگران و با کمی حقوق و اجاره دستمرد صورت می‌گیرد.

۱- «املش» یکی از مناطق کشت و تهیه جای گیلان است، که در آن بیش از شش کارخانه چای سازی وجود دارد. خصوصیات هر یک از این کارخانه‌ها بدین شرح است:

- ۱- کارخانه چای سازی «بهرنگ» این کارخانه متعلق به سرمایه داران خصوصی است و در آن حدود شصت تا هفتاد نفر کار می‌کنند، که تعداد کارگران دانشم آن انگشت شمار است.
- ۲- چای سازی شرکت‌های «املش» این کارخانه، بطوریکه از نام آن بر - می‌آید، شرکت‌های است، ولی سهام مده آن به دو نفر از نمودالهای «املش» تعلق دارد. تعداد کارگران این کارخانه بین شصت تا هفتاد نفر است.
- ۳- چای سازی کاظم موفی، تولید آن کم و تعداد کارگرانش بین ۱۵ تا ۲۵ نفر است.
- ۴- چای سازی البرز، کارخانه به دو نفر سرمایه دار محلی تعلق دارد و تعداد کارگران آن هنگام تراکم کار به چهل تا پنجاه نفر می‌رسد.

هیئت واگذاری زمین و روستاهای اطراف جاده قم - اصفهان



روستای حسن آباد - اصفهان. دهقانان زمین و آب میخواهند، تا نیروی خلاقه خود را بکار اندازند و برای سبزه انقلابی خود محصول هر چه بیشتری فراهم کنند.



دهقانان اطراف اصفهان خوشه‌های گندم را دست‌دسته میکنند. تا توطئه آمریکا و تجاوز صدام را شکست دهند.

می‌شود که حتی طرف دشمن و آب برداشتن هم نوبتی باشد. روستای دولت آباد در ۷۰ کیلومتری جاده قم - اصفهان قرار دارد. در حال حاضر تعدادی خوش نشین در این روستا زندگی می‌کنند، که مدعی‌اند، بعد از فرار یکی از مالکین، ۱/۵ دانگ از زمین‌ها متعلق به آنهاست، در صورتی که

نزدیک به ۱۹ ماه از انقلاب نگذردند میهنمان می‌گذرد ولی در اکثر روستاها و از جمله روستاهای اطراف جاده قم - اصفهان، هنوز در وضع تعداد کثیری از دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین تغییر داده نشده است.

در برخی از این روستاها، میان اهالی بر سر مسئله زمین اختلافات جدی وجود دارد و در برخی دیگر، روستائیان در انتظار ورود هیئت واگذاری زمین هستند. بی‌اغراق می‌توان گفت که در حال حاضر بهترین مزدگانی برای روستائیان میهنمان و از جمله اهالی این منطقه، پس از درم تکیستن تجاوز دارو دسته صدام حسین و محو آثار و عواقب آن، مزده ورود هیئت تقسیم و واگذاری زمین است. به همین جهت ورود هیئت مزبور به روستاها و این منطقه، جهت حل اختلافات ارضی دهقانان و واگذاری زمین به آنان و احتمالاً تشکیل تعاونی‌ها بر روی اراضی متاع، در حال حاضر امری ضروری است، تا هرگونه اختلاف و دودستگی از بین برود. به علاوه وضع معیشتی روستاهای اطراف جاده قم - اصفهان اسفناک است. اکثر اهالی روستاهای این منطقه از نعمت آب، برق، حمام، درمانگاه و پزشک و دیگر نیازها و وسائل اولیه زندگی بی‌بهره‌اند. نمونه‌های زیرگویی وضع نابسامان روستاهای اطراف جاده قم - اصفهان و ضرورت اقدام فوری هیئت‌های هفت نفری است:

اهالی روستای قمرود شناسنامه‌های خود را به دفتر هیئت ۷ نفری برده‌اند، تا این هیئت جهت واگذاری زمین به آنان، نام روستائیان را ثبت کند. هیئت مزبور وظیفه دارد در درجه اول اراضی بزرگ مالکان را، که ما به ۱۰۰ و کانون سواد و غارت هستند، بگیرد و به دهقانان بدهد. باید دانست که دادن زمین‌های موات، که تعداد کمی هیئت است، در شرایطی که هیچ وسیله‌کاری کشت آن اراضی نیست، حتی از اتمام دکتا و روزی ماه دردی علاج نمی‌کند، چه رسد به مسئله بسیار اساسی اجتماعی و سیاسی اقتصادی ریشه‌کنی بزرگ مالکی.

اراضی روستای فیض آباد و حاجی آباد، در حدود یکسال پیش در اختیار یک روحانی بنا بوده که اکنون در اختیار دهقانان است. آیت‌الله خلیلی در امر واگذاری زمین به دهقانان، بی‌اری بسیار رسانده است، اما روحانی‌نمای مالک هنوز ادعای مالکیت به این اراضی داده و مزاحم کشت و کار دهقانان می‌شود. روستای چاهک با ۷ خانوار جمعیت در جاده قم - ساوه قرار دارد. عمده‌ترین مشکل اهالی این روستا نیز همیسیون دیگر روستاها مسئله زمین است. این روستا شورا دارد. هیئت هفت نفری، یکبار برای مذاکره جهت واگذاری زمین به این روستا آمده است، که در آن هنگام اعضای شورا نبوده‌اند. علاوه بر اینها، در این روستا آب و برق وجود ندارد.

در روستای حسن آباد نیز وضع به همین منوال است. این روستا با جمعیتی در حدود ۶ خانوار در ۷ کیلومتری قم قرار دارد. اعضای شورای این روستا به وسیله هیئت هفت نفری انتخاب شده‌اند. در حدود ۳ خانوار در این روستا قوت نشین هستند.

این روستا آب و برق ندارد. تنها حمام این روستا بهداشتی نیست. آب مصرفی اهالی بسیار کم است و آب کم‌درز اولیه واقع در محلات بالاویا بین باعث

دهقانان کم‌زمین معذب‌دارند خوش‌نشین‌ها سهمی از زمین ندارند و اگر هم قرار شد این ۱/۵ دانگ تقسیم شود، باید میان تمام دهقانان تقسیم شود. به هر حال، این وظیفه هیئت ۷ نفری است که به این گونه اختلافات پایان دهد. این اختلافات اصلاً نه به سود روستائیان، اعم از دهقانان کم‌زمین و خوش‌نشینان است، و نه به سود انقلاب. هیئت باید رسیدگی کند و حق را به حق‌دار بدهد. اصل بر اتحاد منافع همه زحمتکش‌ان است. باید همه دهقانان، اعم از کم‌زمین و بی‌زمین، برادروار کار کنند و به سود میهن انقلابی و خانواده خود، تولید را سازمان دهند. شاید در این جا هم تشکیل تعاونی تولید مناسب‌ترین راه برای نیل به اتحاد و کار مشترک همه روستائیان باشد. این اختلافات در روستای تقریباً

وسیع جناب‌نیز به چشم می‌خورد. این روستا مقداری زمین غیر زراعی دارد، که اهالی می‌خواهند در آن خانه بسازند، اما هنوز توافق بین آنها بر سر تقسیم زمین نشده است. قرار شده است که چند تن از اعضای شورای روستا (بنا به تصمیم هیئت ۷ نفری) با اهالی درباره این موضوع مشورت کنند و قیمت مناسبی برای زمین تعیین کنند و آن را به اهالی بفروشند. به همین جهت حسابی دربارتک به نام شورای ده‌ها زنده است، که اهالی می‌توانند پول زمین را به آن حساب واریز کنند و از این طریق صرف‌مسرمان روستا کنند. این روش که اصل را بر کار جمعی و مسئولیت و نقش شورای ده قرار می‌دهد، بسیار پسندیده است و باید اتفاق و اتحاد را در سایه همین گونه همکاری‌ها در چارچوب شورای ده، به دست آورد.

روستای نیزار، در ۵۰ کیلومتری جاده قم - اصفهان قرار دارند. در حدود ۶۰ خانوار از ۹۰ خانوار ساکن در این روستا، خوش نشین هستند. ۳ مالک بزرگ این روستا ۳۵۰ هکتار زمین در اختیار خود دارند. این روستا آب و برق ندارد و مدرسه راهنمایی آن را ۱۱ سال ساخته‌اند. واضح است که انقلاب ما، انقلاب کوخ نشینان و میثقفین، نمی‌تواند تحمل کند که در دهی از یکسو ۳۵۰ هکتار بزرگ مالکی باشد و از سوی دیگر ۹۰ خانوار بی‌زمین.

اورگزیا ۸۰ خانوار جمعیت در جاده کاتان قرار دارد و آب ندارد. تیرهای چراغ برق را تا زکی آورده‌اند. نحوه مالکیت بر روی زمین‌ها به صورت خرد، مالکی است. دشمن، که در انتظار فرصت مناسب است تا شمشر زهرآکین خود را بر فرق انقلاب فرود آورد، می‌کوشد تا برای تضعیف طرفداران انقلاب، دموها بین زحمتکش‌ان برآورد و بنا بر ضایعی و ناامیدی ایجاد کند. در حال حاضر وجود اختلاف میان دهقانان، ممکن است باعث درگیری‌هایی شود، که این نه تنها به سود دهقانان نیست، بلکه در مجموع حسین و اربابش امپریالیسم آمریکا و به زبان انقلاب است. با اتخاذ تدابیر جدی و فوری و در درجه اول آغاز کار ملی هیئت ۷ نفری و از زمین بردن کامل بزرگ مالکی و دادن زمین به دهقانان این مناطق، می‌توان جلوی اختلافات را گرفت و مزده بزرگی به دهقانان داد. این کاریکام عملی و موثر در راه دفاع از دستاوردهای انقلاب و میهن انقلابی ما، در راه بسج‌رزمی دهقانان و در راه تامین محصولات هر چه بیشتر و تولید فرولان تر است.

گزارش از روستا: روستای کلات فشای، از روستاهای «سرولایت» نیشابور

روستای کلات فشای از توابع سرولایت نیشابور در منطقه‌ای کوهستانی واقع است. این روستا از شهرستان نیشابور، ۱۴۵ کیلومتر فاصله و در حدود ۱۳۰ نفر جمعیت دارد. حاده ارتباطی این روستا به نیشابور شنی است. زمین‌های قابل کشت این روستا و روستاهای اطراف زیاد است، ولی به علت سیاست فئدقانی رژیم شاه ملعون، این زمین‌ها بدون کشت و محصول مانده بود. باید در مورد کشت و حاصل‌دهی این زمین‌ها اقدام جدی صورت گیرد و در جهت افزایش تولید داخلی و خودکفایی کشور از نظر

محصولات غذایی، از این زاوین حمایت گردد. این عمل مستقیماً به نیردحسای و حیاتی ماعلیه امپریالیسم آمریکا خدمت خواهد کرد. دامداری نیز در این روستا رواج دارد. تولیدات کتا و روزی این روستا بیشتر به مصرف خود اهالی میرسد. با اتخاذ تدابیر لازم می‌توان تولید زراعی و دامی روستا را بسیار افزایش داد و نیازهای کشور ربهتر برآورده ساخت، که این خود ضربه‌ای است به آمریکا و متجاوز. زمستانها روستاهای منطقه در معرض خطر سیل واقعند. سال گذشته روستای

امین‌آباد، که در نزدیکی کلات فشای واقع است، در اثر سیل زدگی از بین رفت و اهالی آن روستا مجبور به اقامت در کلات فشای شدند. با توجه به این که یک سیل‌بند غیر مطمئن از این روستاها محافظت می‌کند، هنوز احتمال خطر وجود دارد. روستائیان خواهان یک سیل‌بند مستحکم و مطمئن هستند. آب‌آشامیدنی اهالی روستا بوسیله یک قنات تامین می‌شود، که آن هم در خطرینند آمدن است. این قنات چندین سال است که لایروبی نشده است.

اهالی روستا انتظار دارند که جهاد سازندگی نصب منبع آبی در کنار قنات و لوله‌کشی را با نصب موتور پمپ به اتمام برسانند.

روستای کلات فشای مدرسه ندارد. دانش‌آموزان ده مجبورند در خانه یکی از اهالی جمع شوند و در آنجا درس بخوانند. سال پیش اهالی ده با همیاری یکدیگر موفق به ساختن حمام شدند، ولی ایسـ

حمام به دلایل فندی خراب شد و فعلاً اهالی از داشتن حمام محرومند. روستائیان مجبورند برای استحمام به روستای گلپدر، واقع در ۱/۵ کیلومتری کلات فشای بروند. کلات فشای دارای یک تراکتور است، که آن هم خراب است. برای روستائیان زحمتکی که با کسودهای اساسی روبرو هستند، باید بطور انقلابی و سریع اقدام کرد. رهنمود امام خمینی، رهبر انقلاب، اینست که: از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها اجرا بخواهید که از کاغذ بازی‌ها و غلط‌کاری‌های زمان طاغوت اجتناب کنند و روستاهای ملت مظلوم و عقب افتادگی‌های آنان را به طور فوریتر تمیم کنند. باید هر چه زودتر به وضع این زحمتکش رسیدگی شود. این کار اهمیت اقتصادی و سیاسی فراوان دارد و توطئه تبهکاران آمریکای را، که میخواهد کشور ما را با قحطی و گرسنگی به زانو درآورد، درهم خواهد شکست.

هیئت‌های هفت نفری! زودتر عمل کنید بزرگ مالکی پایگاه امپریالیسم و ستون پنجم تجاوز کاران است تکیه‌گاه دشمن را با واگذاری زمینها بد دهقانان زحمتکش نابود کنید.

به موجب قطعنامه کمیته اقتصادی و اجتماعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد : ساکنان عرب سرزمین های تحت اشغال صهیونیست ها بر منابع طبیعی این سرزمین حق حاکمیت دارند

آمریکا و اسرائیل به این قطعنامه رای مخالف دادند

کمیته اقتصادی و اجتماعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه ای اعلام کرد که ساکنان عرب سرزمین های تحت اشغال نبره های صهیونیست ها بر منابع طبیعی سرزمین خود حق حاکمیت دارند. در این قطعنامه اقدام های اسرائیل برای استفاده و تجاوز این ثروت ها غیرقانونی شناخته شده است. کشور اسرائیل و حامی اصلی آن آمریکا به این قطعنامه رای مخالف و دیگر کشورهای قریب زورخانه رای متنع دادند. بدین ترتیب یکبار دیگر روشن شد که اسرائیل در سیاست های تجاوزگرانه خود، از طرف آمریکا کاملاً پشتیبان خاطر دارد.

ضیاء الحق دروغ میگوید

خبرگزاری تاس در تفسیری پیرامون اظهارات ضیاء الحق، دیکتاتور پاکستان، مبنی بر اینکه گویا اتحاد شوروی و افغانستان با حل و فصل سیاسی مسائلی که پیرامون افغانستان بوجود آمده، مخالفند، اعلام کرد که حل و فصل سیاسی مسائل منطقه کاسلا اسکان پذیر است. بشرط آنکه کسی واقفاً خواهان این حل و فصل باشد و مانند ضیاء الحق تلاش نکند که حقایق را وارونه جلوه دهد و ماهیت سیاست شوروی و افغانستان را تحریف کند. تاس اضافه کرد که اگر رهبران پاکستان واقفاً خواهان حل و فصل سیاسی مسائل هستند، از مدتها پیش راه این حل و فصل باز شده است. در ۱۴ مه اسامیل دولت افغانستان حسنیت خود را ثابت کرد و پیشنهاد نمود که براساس برابری مذاکره برای مادی کردن روابط آغاز شود. اما پاکستان پیشنهاد دولت افغانستان را رد کرد و تقاضای داد که مایل نیست صلح و ثبات در منطقه حکمرا شود. ادعای اسلام آباد مبنی بر اینکه خواهان حل و فصل مسائل است، بویژه بانوجه به این واقعیت که پاکستان پایگاه تجاوز علیه افغانستان است، بیخ و بر مبنی نظر میرسد. تاس تأکید کرد که رهبران پاکستان در مورد خطر موهوم شوروی و افغانستان، تنها صداهای راکه از آسوی دریاها بلند میشوند، منعکس می کنند.

سر نوشت رهبر حزب کمونیست پاراگوئه هم چنان مبهم است

به گزارش رسانه های گروهی خارجی، سخنگوی پلیس بوئنوس آیرس به خبرنگار «آسوتیدیس» گفته است که، آتونیو مایاناه، رهبر حزب کمونیست پاراگوئه و امیلیو واتو یکی از رهبران کارگری این کشور به قتل رسیده اند. این ۲ مبین دوست بزرگ پاراگوئه چندی پیش در بوئنوس آیرس بوده شده بودند. با این همه هنوز از سرنوشت این دو جبار اطلاع دقیقی در دست نیست. شایبه قتل رهبر حزب کمونیست پاراگوئه تکرانی آزادی خواهان آمریکای لاتین را برانگیخته است. سازمانهای اجتماعی آمریکای لاتین و بسیاری از کشورها یادگیر از دولت آرژانتین خواسته اند که تحقیقات کاملی را در این باره انجام دهد.

در تلگرامی به امام خمینی سازمان حزب توده ایران در جمهوری فدرال آلمان آمادگی خود را برای مبارزه علیه تجاوز رژیم صدام حسین اعلام داشت

به پیروی از فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران، سازمان حزب توده ایران در جمهوری فدرال آلمان، ضمن تلگرامی خطاب به امام خمینی، آمادگی خود را برای مبارزه علیه تجاوز رژیم صدام حسین اعلام کرد. در این تلگرام، از جمله آمده است: «سپاه صدامی ها، در سایه حمایت امپریالیسم، به رهبری شیطان بزرگ - آمریکا، به کشور ما هجوم آورده است. تا انقلاب ایران راه که خاری در

چشم این کوردلان پر خیر است، پخیال خون باعمال چکمه دژخیمان کنده. در پایان تلگرام گفته میشود که اعضای سازمان حزب توده ایران در جمهوری فدرال آلمان حاضرند و شاکوش سایر مبین دوستان انقلابی، در صورتی متحد و مبارزه، تا تنها حمله نظامی صدام، خائز را جانانه درهم شکنند و بلکه همچنین بر امپریالیسم جهانی، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، بتازند و پیروز شوند»

تکذیب
بر اساس اطلاع رسیده از دبی شخصی خام طوسی، که بیشتر اوقات در دفتر مطبوعاتی ایران در دبی بسر میبرد، خود را عضو حزب توده ایران معرفی کرده است. بدین وسیله اعلام میداریم که این فرد هیچگونه ارتباطی با حزب توده ایران ندارد. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۹/۷/۲۳



مردم را مسلح کنید، امریکا قدرت مقابل ما را بکشد
مردم انقلابی را زورده

تحلیلی از گزارش نهائی

حق تعلق بهره برداری، امر فراری باقی گذاشتند، تا باز هم امکان پرداخت حق مالکانه و نظایر آن برای مالکین بزرگ باقی بماند.

۲- نادیده گرفتن نهادهای انقلابی و مسائل اجتماعی

در گزارش به علت تسلط تمایلات لیبرالی بر آن، نهادهای انقلابی، که از دستاوردهای بزرگ انقلاب ما است، نادیده گرفته شده و مسائل مهم اجتماعی مبین ما با مسکوت گذارده شده و با به صورتی مسخ شده مطرح گردیده است. به برخی از آنها می پردازیم.

نهادهای انقلابی

در جریان اوج گیری نهضت انقلابی، به منظور توسعه و پیش بردن انقلاب و رفع نارسایی ها، نهادهایی به نام کار توده ها بوجود آمد. که در روزهای پیروزی سیاسی و نظامی انقلاب نقش مهمی ایفا کردند. و پس از آن هم، با وجود تمام نارسایی ها و ناهنجاری ها، خدمات بزرگی برای حفظ و پاسداری از دستاوردهای انقلاب انجام دادند. تا آنجا که می توان گفت، در صورت فقدان این نهادها، امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی می توانستند لطافات بسیار جدی به انقلاب وارد سازند و پاسداری از دستاوردهای انقلابی را غیرممکن می کردند. این نهادها، که از بین آنها می توان از سپاه پاسداران کمیته ها، دادگاه های انقلاب، شوراهای و جهاد سازندگی نام برد، با پشتیبانی قاطع و بی گمان امام خمینی، توانستند به قیمت خون هزاران جوان انقلابی و تلاش توده های وسیع، محتوای خدامپریالیستی و خلقی انقلاب را تا حدود زیادی حفظ کنند. و هم اکنون نیز نقش ارزنده مین نهادها و ضرورت آنها برای تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب انکارناپذیر است. ولی گزارش تمام این نهادها و خدمات آنها نادیده گرفته و هیچ گونه نقشی و وظیفه ای برای آنها قائل نشده است. کوبی طراحان "سیاست ها و برنامه ها" در انتظار برجیده شدن کامل این نهادها بوده اند! می دانیم که این انتظار نیز انتقادی است از خواست ها و هدف های دولت موقت و کسروهای لیبرال، که در صدد تعطیل یا تصفیه این نهادها بوده و هستند. به جرات می توان گفت که چنانچه شور و حمایت توده های انقلابی و پشتیبانی صریح و قاطع رهبر انقلاب نبود، دولت موقت می توانست در این هدف خود توفیق یابد و "سیاست گام به گام" خود را که چیزی جز سازشکاری و برگرداندن استعمارگران خارجی و غارتگران داخلی نبود، تحقق بخشد.

شوراهای

شورا، به عنوان نهادی ابتکاری و خودجوش، از بطن انقلاب ایران برخاست. شوراهای یک طرف در عملیات و شهرها نقش تائین احتیاجات و تحکیم همبستگی مردم و بلاخره تعدیل مشکلات ناشی از اعتصابات و تظاهرات راه عبیده داشتند و از طرف دیگر در کارخانه ها، ادارات و سایر سازمان ها، خصوصاً پس از انقلاب، سهم معدمی در حفظ اموال و اسناد و بهرامنداختن واحدهای خدماتی و تولیدی داشتند. بی تک دولت انقلاب می توانست از این نهاد در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب و کار سازندگی استفاده کند. اما دولت

موقت از همان آغاز به ضدیت با شوراهای برخاست و سعی کرد که با شوراهای منحل کند و با آن ها را به نهادهایی تشریفاتی و فاقد مسئولیت و کارایی بدل سازد. فقط زمانی که توده های میلیونی در شمع جنازه جاهد نستوه با الله طالقانی با ختم فریاد زدند که: "پیام طالقانی، شهادت است و شورا، دولت موقت تاچار قانون شوراهای شهر را تصویب کرد، ولی دیدیم که مردم مدافعت در تهیه مقررات و قانون و اجرای آن موجب شد که، مردم از انتخابات شوراهای استقبال کنند و شوراهای به تدریج منحل و با بیگار و اعطال گردند. سیاست های پیشنهادی در گزارش نیز چنین برخوردی نسبت به شوراهای دارد. در این گزارش فقط تشکیل شوراهای در بخش (۶۸) پیش بینی شده و نقش آنها هم فقط به نظارت بر اجرا محدود گردیده است (صفحه ۱۵). با وجود این که قانون اساسی، در اصل هفتم خود، به استناد آیات قرآنی "امرهم شورى بینهم" و "شاوهم فی الامر"، نقش شوراهای را در تمام سطوح ارگان های تصمیم گیری و اداره، امروگشور تأکید کرده است، و اصل یکم قانون اساسی، تأسیس شورا در کلیه سطوح، اعم از ده، بخش، شهر، شهرستان و استان را جهت نظارت بر اداره امور مقرر کرده است. و اصل ۱۵۴ همین قانون تأسیس شوراهای در کلیه واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی، آموزشی، اداری، خدماتی و مانند این ها را، جهت همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور پیش بینی کرده است، اما سیاست های پیشنهادی هم مابین اصول را نادیده گرفته و هیچ گونه نقشی برای کارگران در اداره، برنامه ریزی و هماهنگی در واحدها قائل نشده است.

این وضع، بانوجه به تمایلات سیاسی گزارش دهندگان، طبیعی بنظر می رسد. به عقیده آنان، در کارخانه ها "هرچ بود و چه عدم اعتقاد به هر نوع ضوابط حاکم بر روابط کار و اعتصابات بی مورد" (صفحه ۸۴) حکم فرماست و حتی داشتن عقاید سیاسی و صنعتی نیز سبب روابط متشنج بین کارگران می شود! آنان سرانجام شوراهای کارگری و شوراهای کارکنان را سبب برهم خوردن نظم در واحدهای تولیدی می دانند (صفحه ۸۴).

اما همین گزارش، با قبول درست این که، گویا قشرهای مرفه و نیمه مرفه اجتماع از راه های مشروع ثروت اندوختند، برای آنها، به علت انتظارات طبقات محروم، ابراز نگرانی و احساس خطر می کند (صفحه ۱۹۸)، و لذا اظهار نظر می کند که، حتی در سالهای قبل از انقلاب، توقعات کارگران و کارمندان به صورت غیرمعمول بالا رفته بود! (صفحه ۱۹۲)

گزارش با تأکید بر لزوم اعمال قانون کار زمان طاغوت (صفحه ۸۷) میگوید از کارفرمایان پشتیبانی کند.

آزادی های سیاسی

طراحان "سیاست های تکامل و توسعه"، ظاهراً تأکید زیادی بر آزادی های سیاسی به عمل آورده اند. طبق پیشنهاد آنان باید "اجاز فعالیت به همگروه ها از کوچک و بزرگ داده شود." (صفحه ۱۵ و ۱۶) و "آزادی عقیده، بیان... برای افراد و اجتماعات وجود دارد." (صفحه ۲۶)

این قبیل شعارها بدون تردید صحیح و منطقی است. زیرا آزادی های دموکراتیک لازمه یک جامعه مترقی است. ولی اولاً لیبرال ها از "آزادی های سیاسی"، آزادی های محدود بورژوازی را می فهمند، که در آن اگر زورشان برسد، جایی برای نیروهای مترقی و بویژه کمونیست ها نیست. این واقعیت را در حملات خصمانه و کینه توزانه لیبرال ها به نیروهای چپ و مارکسیست ها و قبل از همه و بیش از همه حزب توده ایران تأیید می کند. فراموش نکنیم که امر نظام شکنی دولت موقت به استناد قانون سازمان طاغوت، مخالف فعالیت ملنی و قانونی حزب توده ایران بود. ثانیاً نکته اساسی دیگری که طراحان عمداً نگفته گذاشته اند، لزوم مبارزه با عوامل ضد انقلاب است. انقلاب ما برای حفاظت از خود باید اجازه فعالیت را از دستهای ضد انقلابی و گروه های متعلق به سرمایه داران وابسته و عوامل

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جبهه متحد خلق

«میزان» نامیزان

میزان، لیبرالیسم در مسائل داخلی انقلاب

پس از صفحه ۲

ما را فلاح کرده است. ما باید با آمریکا وارد مذاکره بشویم و مسائلمان را حل کنیم، اگر قرار باشد همه درها را بروی خود ببندیم که نشود! ما خامی می‌کنیم، از نظر سیاسی مشکلات خود را در نظر نمی‌گیریم...! (دکتر سبحانی، در جلسه حتم مهر ماه ۵۹ مجلس)

درباره آن انزوای کنش، که لیرالها آنرا ورد گرفته‌اند، تا از آن نتیجه دلخواه را بگیرند، اتفاقاً سفیر صدراعظم ضد امپریالیست حکومت صمد درسد خلقی و دموکرات ضیاعالحق هم نظر مشترک دارد «میزان» این نظر مشترک را بتواند هم‌صاحبه اختصاصی با سفیر پاکستان در ایران منسک میکند:

«بر قدرت‌ها می‌گویند ایران را در جهان منزوی کنند و تا حد زیادی هم موفق شده‌اند. روابط ایران با عراق، بحرین، کویت، عمان، ترکیه، عربستان سعودی و... (و حتی آمریکا) به گونه‌ای نیست که بشود گفت حسنه است... منزوی کردن شما چیزی است که دشمنانان می‌خواهند هر چه ایران بیشتر منزوی شود، آنها بیشتر بتوانند بر علیه شما کار کنند» (میزان، شماره ۱۸)

به این ترتیب، «میزان» کندگسان خط لیبرالیسم، از زبان سفیر ضیاعالحق، حرف دلشان را می‌زند: «دشمنان ما خواهان انزوای ما هستند. برای شکستن این انزوا باید رو به عراق، بحرین، کویت، عمان، ترکیه، عربستان سعودی و رژیم‌های نازیستی مانند اینها بیاییم. آمریکا هم که، بقول نماینده لیبرالیسم در مجلس، دلال مشکلات ما است، همه گره‌ها پست او پست می‌شود» پس محفل چه هستیم؟! می‌بینید که بازی «انزوای بین‌المللی ایران» به کارگردانی ماهرانه حضرات، به چه پایان خوب و خوشی می‌رسد. پرده نمایشنامه هیچ «پدر و آشنی یا آمریکا» می‌افتد. ما و امپریالیسم آمریکا، که بقول امام خمینی: دشمن اصلی ملت است و همه مشکلات و مصائب ما از اوست و «رابطه ما با او رابطه قائم با اسیر است» دست در گردن هم روی یکدیگر را می‌بوسیم. ما می‌گوییم گذشته‌ها گذشته، تو هم دست از امپریالیست بودن بردار، تا سوء تفاهم‌ها و کدورت‌ها رفع شود. آخر ما دشمن مشترک داریم. و امپریالیسم نادم، در نهایت حجب و حیا، «قول» مرمانه می‌دهد!

امپریالیست‌ها حامیان انقلاب جهانی!

چشم‌بندی لیرالها را دیدیم که چگونه در شطرنج سیاسی خود، انقلاب فلسطین، سوریه، لیبی، یمن، دکرانیک، ویتنام، کوبا و اتحاد شوروی را در مقابل و در نزاع با انقلاب ایران قرار می‌دهند، و بعد از انزوای ایران از کشورهای همچون عراق، بحرین، کویت، عمان، ترکیه و عربستان سعودی میاندا چشم‌بندی این ساحران را دیدیم که آمریکا را بنسب «مشکل» گشای همه مسائل ما، با زدن و با انواع دوز و کلک، بیست انقلاب را با شیطان بزرگ، راه برون رفت «از فلاح اقتصادی» و «انزوای بین‌المللی ایران» خوانند! چشم‌بندی آنها را دیدیم که با برهروانی، حتی از قول امام خمینی، دست به جمل خیر زدند که «باید افکار عمومی را برای ادامه رابطه با آمریکا آماده کرده!» (میزان، شماره ۱۱، تعلق مهندس بازرگان در مجلس)...

اما این چشم‌بندی اجزاء دیگری هم دارد. اگر قرار است جای کشورهای ضد امپریالیست و مترقی را در کنار ایران انقلابی با امپریالیست‌ها و نوجه‌های محلی آنها عوض کرده، پس لازمت، هم برای امپریالیست‌های جهانخواه و هم گزیده‌های آنان، بنحوی از انحاء کب و چبه کرد ارگان لیرالها، که درست را از بر است، سرود و ثنا را بسوی امپریالیست‌های اروپایی و ژاپنی سرانیز می‌کنند و دل‌سوزیهای آنها را برای کشورهای جهان سوم، درخور قدرانی می‌شناسد. «میزان» استقلالطلبی ژاپن را در برابر آمریکا، نمشی بزرگ برای کشورهای خاورمیانه می‌خواند و مدعی می‌شود: «امریکا ژاپن را بخاطر سیاستهای ضد اسرائیلی و مواضعی که به نفع اعراب اتخاذ کرده، سخت در فشار قرار داده است» (میزان، شماره ۲۷) و سرانجام رسته کلام را به این رهنمود و نصیحت می‌کند که:

«هر ا کشورهای خاورمیانه از نیروی عظیم ژاپن برای رهائی نفس‌عزیز استفاده نمی‌کنند» (میزان، شماره ۲۷)

ملاحظه می‌کنید که، در یک چشم برهم زدن، ژاپن امپریالیست در میان صفات «میزان» به مجاهد استقلال، به یاور انقلاب جهانی و دوست بزرگ «کشورهای خاورمیانه» و بعد ناگزیر ایران، بدل می‌شود. فرانسه امپریالیست ددخود میر و لطف می‌شود و نویسنده «میزان» از اینکه به خیرگزاری فرانسه بخاطر فتنه آفرینی‌ها و دروغ‌بانیهای مکرر در مکررش دستور داده شده «بساط خود را هر چه زودتر در مملکت ما جمع» و گورش را کم کند، حیرت‌زده و آشفته می‌شود و به دست و پا می‌افتد که:

«شاید هم سوء تفاهم باشد. آخر ما با فرانسه روابط بهتری داریم. این لقبی از کجا آب می‌خورد» (میزان، شماره ۱۸)

آیا این واقیات سجل کترین نیازی برای تفسیر و توضیح محتوای سیاست اصلی و مکتوبات لیرالهای محترم ایرانی باقی می‌گذارد؟ آیا مسودی‌ها و مباحزاده‌ها و امیران‌ها و ایرانشناسان و والاها، اگر هنوز در میدان بودند و روزنامه منتشر می‌کردند، دست‌پختی جز این داشتند؟

یک شماره از روزنامه برژینسکی

چندی پیش نامه‌مردم در مقاله طنز آمیزی نوشته بود: «اگر برژینسکی در ایران روزنامه منتشر می‌کرد» این روزنامه چگونه بود ما یک شماره از این روزنامه برژینسکی ماب را، در شرایط کنونی ایران، در نظر می‌آوریم، تا که تلخ این طنز آشکار شود:

روزنامه ایدال برژینسکی توصیه می‌کند: ما باید با آمریکا حتما وارد مذاکره بشویم. و این تیر مرتعوب درخور صفحه اول است.

روزنامه برژینسکی در سرمقاله خود مستقیم و غیرمستقیم های شرق و بخصوص اتحاد شوروی را در جنگ ایران و عراق می‌بیند و زیر لوی «قوت ابرقدرت‌ها» کاسه کوزه‌ها را بر سر شرق می‌شکند و سوسیالیسم انقلابی را امپریالیسم دیگری وانمود می‌کند.

روزنامه برژینسکی یک مطلب موثر از سازمان سیا ساخته تصر

افغانستان چاپ می‌کند، و به بهانه دفاع این انقلابیون آمریکایی از موضع ایران در جنگ با عراق، خود مقاله پر سوز و گندازی در حاشیه این خبر جهت‌دار مینویسد که:

«هدلی و همدردی برادران افغانی، که خود در جنگ با سوسیالیسم امپریالیسم شوروی سخت درگیرند، برای امت ما لوبدیخت است» و قس علیهذا... (روزنامه برژینسکی، صفحه ۸)

روزنامه برژینسکی یک خبر مرصع درباره «محکوم کردن ابرقدرت‌ها» از سوی «اتحادیه کارگران انقلابی اتریش» (!) از نوی آستینش دمی آورد که: «بدنبال توطئه مستقیم دو ابرقدرت روس و آمریکا، قسوت عراق به جمهوری اسلامی ایران حمله کرد. این جنگ توسط دکانداران شرق و غرب، که همگی خواستار سقوط ایران انقلابی هستند، همپاری می‌شوند» (روزنامه برژینسکی، ص ۸)

روزنامه ایدال برژینسکی یک انتقاد جانانه و طعنه آمیز از پاکسازی عوامل طاعت از ادارات مینویسد، و در همان ستون، زیر عنوان «از ادعا تا واقعیت»، جنگ کردستان را به پای حزب توده ایران می‌گذارد.

روزنامه برژینسکی در یک مقاله بلندبالا و ستونی، به مارکسیسم، بنسوان یکی از طلب‌های «مخالف با اساسی مذهبه» می‌تازد و مورخین و دانشمندان شوروی را به قلب و سرخس اسلام متهم می‌کند. برای این مقاله شبه‌علمی و تحریک آمیز، چه عنوانی جذاب‌تر و پر زرق و برق‌تر از «پشت اسلامی و مسائل جهان معاصر»!

روزنامه برژینسکی یک مقاله جانانه و مفصل دیگر تحت عنوان «کعبود و خیم مواد خوراکی در اتحاد شوروی» تقدیم خوانندگان خود می‌کند، و برای اثبات این مدعا، که از فرط کهنگی بوی، کپک گرفته، عکس از یک صف طولانی و نامشخص زینت‌بخش مقاله «تحقیقی و حقیقی» خود می‌کند و زیر آن می‌نویسد:

«در صف‌های طولانی، صلابتها به انتظار دریافت جیره غذائی!» روزنامه برژینسکی یک گزارش شش هفت ستونی، با «عکس و تیر» های متعدد، درباره «زندگی اشرافی و افسانه‌های طبقه حاکمه سرخ در شوروی و افعال آن» (!) چاپ می‌کند، با چه مطالب سبج و محیرالقول:

- برزف ۲۰ خانه ییلاق دارد
- در شوروی پست‌های اداری قابل خرید و فروش است.
- قصر خروشیف مانند موزه تاریخی بود، که در میان جنگل بنا شده

و دارای استخر شیشه‌ای و سالن‌های سینمای اختصاصی و اسکله‌های خاص برای کشتی خصوصی بود.

و ده‌ها کشف بریدل و ملوس دیگر بر این‌روال...

روزنامه برژینسکی در برابر آمریکا هم نمی‌خواهد و نمی‌تواند سکوت کند. شرط عقل و عرف روزنامه‌نویسی حکم می‌کند که حداقل ظاهر بی-طرفی، به خود گرفت. اما مقاله‌ای که درباره «مضور نظامی آمریکا در خاور نزدیک» است، ناگهان موضوع و هدف خود را گم می‌کند و دموود ساخت و پخت دو ابرقدرت، یا یکدیگر و قرارمدره‌های آنها به قلب فرسائی می‌پردازد.

روزنامه برژینسکی یک تفسیر خیلی روشنفکرانه هم در باب موضوع روز، یعنی «وحدت سوریه» و لیبی» می‌نویسد و این وحدت را آخرین تثبیت دیکتاتورهای حاکم در سوریه و لیبی برای تحکیم موقعیت خود در برابر خواستهای محقق مردم تحلیل می‌کند.

روزنامه برژینسکی تقریبا به تاریخ می‌زند و زیر آرم «واپسین ایم ۲۵ قرن شاهنشاهی» از حمایت برزف از طرح تجاوزگرانه شاه بهجهنم واصل شده، در اقیانوس هند، برای اولین بار به استاد منابع مجبورالیهویه خیری برده بر می‌دارد.

خوب، نظرات راجع به روزنامه‌های با این محتوی و رنگ آمیزی چیستا ممکنست بگوئید: پس آمریکا چه؟ امپریالیست‌های سودی و طرار اروپایی و ژاپنی، که همدست تمام جنایات شیطان بزرگانه، کجا هستند؟ چرا درباره آنها سکوت و با آنها همدردی می‌شود؟

جواب قاطع اینست که: این حرف‌ها را نزنید، که آقای برژینسکی سخت می‌بینند. این توضحات افراطی فقط متعلق به کمونیست‌هاست! ممکنست بگوئید: آخر اینبه تبلیغ آشکار ضد کمونیستی و ضد کشورهای مترقی جهان سوم، افراط کاری و دور از احتیاط است. با اینبه عیله، دست آقای برژینسکی خیلی زود رو می‌شود.

مکنست بگوئید: اینبه تبلیغ عربیان و خشواری مجنون‌های پرورده شده در پناگون و سیا و آژانس‌های سرویسیتی «در یک شمار روزنامه» آنها یک روزنامه ۸ صفحه‌ای، از بولتن‌های تبلیغاتی هم غلوا می‌نویسند. روزنامه، ظاهری هم که شده، باید کمی تناول داشته باشد. در اینجا جواب شما فقط یک پوزخند است:

می‌گوئید این کار تشندی است؟ چه سادمدلید! همه این مطالبی که به عنوان محتوی یک شماره از روزنامه برژینسکی آوردم، از روی شماره ۱۹ روزنامه «میزان» نقل کرده‌ام. تازه شماره ۱۹ «میزان» چیزهای دیگری هم داشت، که کفه ترازو را بیشتر بنفع برژینسکی سنگین می‌کرد، ولی ما دیدیم که نقل همه آنها دیگر شور قصبه را دمی آورد!

مکنست بگوئید: در شماره ۱۹ «میزان» شاید کنترل از دست آقای برژینسکی در رفته که قضایا این جور رسوا کنند، آقای شده است.

این بار ما به شما لطیفان می‌دهیم که به هیچوجه اشتباه و سوءتفاهمی رخ نداده. هر شماره «میزان» را که انتخاب کنید، یک «میزان» شماره ۱۹ است. فقط ظاهر تیرها و عکسها و ترفین صفحاتش فرق می‌کند. ما بی هیچ تعدی شماره ۱۹ «میزان» را بنسوان یک الگو و متشمنه خرواربر گردیدیم.

می‌توانستیم و می‌توانیم هر شماره دیگری را که شما بخواهید، با آن عوض کنیم... آیا این واقیت هم تصادفی است که، صد درصد گزارشها و تفسیرهای خارجی «میزان» و ۹۵ درصد خبرهای خارجی آن از خبرگزاریهای امپریالیستی و سوسیالیستی و روزنامه‌ها و مجلات آمریکائی و انگلیسی و فرانسوی و آلمان‌نویس گرفته می‌شود؟ آیا اینهم تصادفی است که از مجموع ۱۴ کاریکاتور هول آمیز - واعظ لوس و نیسی که در ۲۸ شماره «میزان» چاپ شده، ۱۲ تای آن علیه کشورهای سوسیالیستی حزب توده ایران است؟

واقعا برژینسکی، اگر در ایران روزنامه منتشر می‌کرد، دست‌پختی جز این داشت؟

در آینه «میزان» دیدگاه‌ها و افراض سیاسی و طبقاتی لیرالها را بطور صند در مرصه‌های خارجی و مرزبندی بین دوستان و دشمنان ایران انقلابی در جهان مرور کردیم. بررسی باورها و تلاشهای لیرالها را در زمینه‌های داخلی - که دیدگاه‌های خارجی خود ثمره و بازتاب آنهاست - به فرصت و مجال دیگری موکول می‌کنیم، همین قدر بطور گذرا و تیتروار ص-گوئیم که، لیرالها محسوس علاقی و موقیعت خود در ارتباط با آزادی می-بندوبار سرمایه‌اند. «میزان» چه‌ها، که درواقع حرکت قلیشان و خرسران بنسشان با آهن‌ربای سرمایه‌داری جهانی «میزان» شده، حتر از «بسته» درباره تبدیل ثروت و سرمایه خصوصی متوحتراند. آنها تا آنها به انقلاب یا نظر انضامی می‌نگرند که به این حریم «مقدس» نزدیک نشود، و اگر انقلاب به خاطر خصیلت و وظیفه خود به این حریم نزدیک‌شده، فریادشان بلند می‌شود که: «تجره بیاد مستضعفان و بنیاد مسکن (در شکست قس مالکیت و صادره یت‌اعمال به یفا رفته خلق) محکوم به شکست است... این روش نگرانی و دلسردی و سر خوردگی‌های بوجود می‌آورد که می‌تواند مملک باند (البه برای آقایان لیرالها) و انقلاب را به سمتزل مقصود ترسانده (میزان، شماره ۲۲)

آقای لیرال علاقی خود را با عقاید مردم عوض می‌کند و به‌نایندگی از طرف مردم قوی می‌دهد:

«بررسی افکار در ماههای بعد از انقلاب در میان قشرهای مختلف مردم نشان می‌دهد که اکثریت قاطع طالب حذف مالکیت خصوصی و یا سلب مالکیت از افراد بیستند» (میزان، شماره ۲۲)

«میزان» از ثروت‌ها و سرمایه‌های غارت‌شده، که که دیگر ترازوی آن فقر سیاه میلیونی جامعه ما است، بی‌توان «حق مکتوب مشروعه» نام می-برد و در دفاع از این چاویکران، که شروعیت آنها در مهارت آنها از استفاده قانونی از شیوه‌های ظریف و پوشیده دزدی است، می‌گوید: «تسب مملک و حق مکتوب مشروعه فرود و توفیض آن به دیگران، نوع دیگری از - ظلم و رماندن مردم است» (میزان، شماره ۲۱)

و سرانجام حرف آخر خود را، که شاه بیت حیات اوست، هر زبان می‌آورد: «بجای حصاربسی و کنترل سرمایه‌ها همین حد و مرز ضرورت اینست که از سرمایه‌گذاران صنعتی قدرتی شود»

در میان مطالب متعدد و متنوع «میزان» که محور عمومی تمامی آنها تقریبا همانند است دو مقاله نمونه‌وار وجود دارد که تنها خواندن آنها چکیده تنظیم شده آرا و عقاید و آمال لیبرالیسم ایرانی را پیش روی ما می‌گذارد:

۱- عرض مختصر با جوانان انقلابی و مکتبی خودمان (میزان، شماره ۲۱)

۲- نیهت ضد ایرانی (میزان، شماره ۲۳)

و اتفاقا این هر دو مقاله از قلمرو احدی است: آقای مهندس مهدی بازرگان! در این مقالات افشارگریهای انقلابی جاسوسان امپریالیسم آمریکا و گزیمها و شرکای جرم طاقوت توسط دانشجویان مسلمان بیرو خط امام، که از سوی امام خمینی مرحله دوم انقلاب و «انقلابی بزرگتر از انقلاب اول» خوانده شده، خودویر انگری و «نیهت ضد ایرانی» خوانده شده است.

طز روزی که افشارگری شروع شد نیهت ضد ایرانی که اسم دیگری را خود ویر انگری می‌گذاریم، براه افخته تحت لوی ضد امپریالیستی و یا نیت و ادعای دفاع از انقلاب»

«پاکسازی» که ضرورت حیات هر انقلاب خلقی است، با کایه‌ای نیشدار «پاکسازی» اسم گذاری شده، به جوانان اینارگر چهباد سازندگرم» با این تشر و سرگرفت، هاداش داده شده:

«ساختن یک جا و یک چیز که نباید خراب کردن چها و چیزهای دیگر باشد»

دادگاههای انقلاب، که پشتوانه انقلاب و سپر دفاع آنست، چنین ارزیابی شده:

«دولتی و کینه و دشمنی علیه انقلاب اسلام که این رفتارها (مجازاتی انقلابی) در داخل و خارج ایران بوجود می‌آورد و لشکر ضدانقلاب را قوت می‌بخشد، خیانت کوچکی نیست»

پاسداران انقلاب و کینه‌ها را بدتر از دزخیوراهزن نیمشب وصف می‌کند و درباره حیث و خوف و صلکرد آنان مینویسد:

«مردم، ایم از کوچک و بزرگ، اندری و بزاری، انقلابی و غیر انقلابی در ناامنی و نگرانی و نراحتی بسر می‌برند و جمهوری اسلامی در جهتی میر می‌کند که مردم حدیث لعنتان مجبوتان الصلاه الامان را پوسته یاد بیارند و از امنیت و حفاظت کالی محروم باشند»

مبارزه با «فلسیونالیسم» تک‌نظر بورژوازی را، که خود امام خمینی برچسدار آنست، «نیهت ضد ایرانی» می‌نامد، دانشجویان مسلمان بیرو خط امام و جوانان بریادارنده و تحکیم کننده نهادهای انقلابی را «مضوران» عمده مشکلات و گرفتاریهای موجود میدانند و مینویسد:

«همچنانکه رسم ما بوده که به شاه بیسوان تنها موثر و مقصر اوضاع آرزو نامه سرگشاده می‌نویسیم، حالا هم شما را بیسوان «تبا موثر و مقصر می‌شناسیم» و مخاطب قرارتان می‌دهیم»

جاب است که لیبرالیسم ناسازگار با انقلاب، سیاست‌های سازشکارانه را، که بهترین فرصتها را بیاد داد و فیصلت ۳۴ و ۳۳ را عامل موثر مسائل کنونی نینداند و درست نیروها و انگیزه‌ها و بنیادهای تسرع کننده انقلاب را «مقصور» و درخور سرزنش و تخطئه می‌شناسد.

ما از آقایان می‌رسیم: اگر طایق میل و سلیقه شما انقلاب ایران در عرصه جهانی یا سوسیالیسم به‌سنتزه برخیزد، انقلاب فلسطین و متحدان طبیعی خود نظیر لیبی و سوریه و الجزایر و یمن دمکراتیک را نفی کند و درموض در کنار ضیاعالحق‌ها بنشیند و به ژاپن به گرمی دل بدهد و فرانسه را به‌سمانی دعوت کند و آمریکا را به آشتی و سازش و تجدیدنسبات مورد علاقه‌بخواند - و درعرصه داخلی سرمایه و سرمایه‌داران را بدون قید و حصر در ینفاگری مستضعفان بخل خود واگذارد، خط امام را زیر پا بگذارد، کینه‌ها و سیاه و دادگاههای انقلاب و امرها کساز و تصفه و راه کند، مستضعفان را فراموش کند، آتوقناتاز انقلاب ایران چه بر جای میماند؟ آیا

محصول چنین انقلاب فقیسی چیزی بیش از همان خواست و شماری نیست که لیرالها از پیش از انقلاب طالب آن بودند: مشروطه بدون شاه...!

انقلاب خیلی از چیزها را از بین و بن تفسیر داده، اما بنظر میرسد که لیرالها فقط می‌خواهند یک چیز را تغییر دهند: خود انقلاب را!

و اهمیت حیاتی مبارزه با لیبرالیسم و افشای نقش «میزان» و همیزان‌ها در همین نکته خلیبر است...

قطب زاده بار دیگر بر ضد خط امام قیام کرده است

آنکه يك دولت تازه تشكيل دهيم، بلکه دولتی که کارهای نیست، خود مجبور به تغییر است...

خير اين مصاحبه قطبزاده قیلا در خارج از کشور انتشار یافته بود و بر آنکه از جانب کسی تکذیب شود، اینک بار دیگر در مطبوعات کشور منتشر گشته است.

طبق این مصاحبه، قطبزاده: اولاً، بنسبت تجاوز رژیم صدام حسین بایران، دولت ایران را سرزنش میکند و نه صدام تجاوزگر دستیار آمریکا را، لایه، خواهان آزادی قوری گروهانهای آمریکاییست، ثانیاً، دولت ایران را قاعد لیاقتو هیچکاره میدانند و خواهان کنار رفتن آنست،

و اینها، مسئولیت مشکلات اقتصادی و اجتماعی را به گردن دولت کنونی ایران میاندازد و نه امیرالیاسم جهانخواه و ایادی ایرانیهای آن،

خلاصه این نظرات قطبزاده اینست که: او مخالف خط امام است، مخالف سیاست جمهوری اسلامی ایرانست و مخالف روح انقلاب شکوهمند ایرانست.

و اینکه: باوجود امام خمینی و اختیاراتی که قانون اساسی به ایشان تفویض کرده، قطبزاده از چه راهی میخواهد دولت تازه تشکیل گردد؟

بنظر ما قطبزاده آن اهمیت را ندارد که کسی وقت خود را صرف خواندن و تعبیر گفتههای وی کند، ولی از این لحاظ که بدانیم چه کسی نزدیک یکسال و نیم خود را در حساسترین پستهای سیاسی و دولتی جمهوری اسلامی ایران جفا داده بود، تمیق درباره مصاحبه نامبرده ضرورت دارد.

و حال نیز باید دانست که، آن کسی که با انتشار روزنامه جدید میخواهد به انتشار این انکار ضدانقلابی در جامعه ما ادامه دهد، دارای چه سوابقی است، میتوان تصور کرد که این شخص در پست رئیس رادیو تلویزیون چه کارها کرده است و در مقام وزیر خارجه چگونه در تخریب مواضع جهانی جمهوری اسلامی ایران کوشیده است.

تصحیح

فردی بنام ناصر صادق طی نامه ای خطاب به نامه «مردم»، ضمن اشاره به مطلبی در شماره ۳۴۷ نامه مردم، اعلام کرده است که برادر دکتر علی صادقی، از رهبران گروهک ضدانقلابی - مائوئیستی رنجبران نیست. ضمن اعلام این مطلب، متذکر میشود که وی پسرعموی دکتر علی صادقی است.

روزنامه «اطلاعات» (۲۴ مهر ماه ۱۳۵۹، ص ۱۰) خبر میدهد که صادق قطبزاده، در یک مصاحبه اختصاصی با «پول» یورگنسن، خبرنگار روزی، مطلبی اظهار داشته که در شماره ۱۰ اکتبر ۱۹۸۰ روزنامه «داگیلات»، چاپ اسلو منتشر شده است. متن کامل گزارش واصله از مصاحبه قطبزاده برقرار زیر است:

«...صادق قطبزاده وزیر خارجه پیشین ایران در مصاحبه با روزنامه «داگیلات» چاپ اسلو گفت: دولت ایران که به خاطر جنگ با عراق قابل سرزنی است، باید فوراً گروهانهای امریکائی را آزاد کرده، و به دلیل عدم لیاقت کنار رود... دولت ایران مسئول عدم رهبری صحیح نیروهای مسلح، و نیز مشکلات اقتصادی و اجتماعی است، و این خود بمرات امکان داد تا بایران حمله کند»

قطبزاده که اینک در تلاش انتشار روزنامه صحیح (بنام: والصر) در تهران است، به خبرنگار لروزی گفت: عراق زمان درستی را برای حمله انتخاب کرد. وی در مصاحبه خود افزود: انتظار چنین حمله ای را داشته، لکن نه باین زودی (!) قطبزاده تاکید کرد: «با نباید صبر کنیم تا آیتالله خمینی رحلت کند و

تجدید پیمان از سنگرهای رزم با افسران شهید توده ای * ۲۶ سال از سالروز شهادت اولین گروه افسران شاخه نظامی حزب توده ایران گذشت

۲۷ مهر، بیست و ششمین سالگشت شهادت گروه اول افسران عضو شاخه نظامی حزب توده ایران است. ۲۶ سال پیش در سحرگاه خونین چنین روزی، رژیم تبهکار پهلوی، که بعد از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد تصمیم گرفته بود پایه های سلطنت خود را برخون رزمندگان راه استقلال و آزادی ایران استوار کند، ۹ نفر از افسران عضو شاخه نظامی حزب توده ایران و یکترقیق شاعر را به جوخه اعدام سپرد.

در سحرگاه ۲۷ مهرماه ۱۳۳۳ درخیمان شاه برپیکر قهرمانی رفقا:

- ستوان یکم عیسی افراخته
 - سرهنگ زاندارمیری عزت الله سیامک
 - سروان شهربانی نورالله شفا
 - سرهنگ دوم نعمت الله عزیز
 - مهندس و شاعر مرتضی کیوان
 - سرهنگ دوم محمدعلی میثری
 - سروان شهربانی نظام الدین مدلی
 - سروان شهربانی محمدعلی واعظ قائمی
 - سرگرد حوقلقدان هوشنگ وزیریان
- آتش گشودند. رفقای توده ای در آن سیدمدم خونین با فریادهای:

- مرگ بر شاه!
- زنده باد حزب توده ایران!
و با این ایمان به صف طولانی شهدای حزب توده ایران، این شهدای راه آزادی وطن از سلطه استبداد و امپریالیسم پیوستند که، بر بستر خون آنها مشت های خلق یگانه خواهد شد و بساط تنگین سلطنت و سلطه امپریالیسم رافرو خواهد ریخت. تاریخ بر همان راستا رفت که شهدای توده ای خون خود را

وحدت خلق...

بقیه از صفحه ۹

را در آغوش گرفتند. صحنه خیابانها در آن نبرد دشوار، سنگر واحد تمامی مردمی بود که دل به استقلال و آزادی کشورشان بسته بودند. در این نبرد سرنوشت ساز، کسی از کس نهرسید که: هم رزم من! موضع سیاسی توجیست، از کجا آمده ای و طرفدار کدام مکتب هستی؟ امر مشترک همه نیروهای رزمنده، سرنگونی شاه ملعون و ایجاد حکومت مستقل و مردمی بود و در این راه، همه مردم، صرف نظر از عقیده و مذهب و جنس، در کنار هم جنگیدند، در کنار هم زخم برداشتند و خونشان در جویباری واحد روان شد.

شروع جنگ تحمیلی از سوی رژیم جنایتکار صدام حسین و بخطر افتادن استقلال و تمامیت کشور از جانب امپریالیسم متجاوز آمریکا، بار دیگر تمامی مردم میهن دوست را بدور هم گرد آورد و در سنگر واحد یکپار قرار داد. تفاوت های عقیدتی و مسلکی، که در بیست ماه پس از انقلاب، آگاهانه و نا آگاهانه غلطت پذیرفته و جای بر حل مسائل مهم انقلاب تنگ کرده بود، با آغاز جنگ رنگ باخت و جای خود را به همدلی و همیاری و همگامی مردمی داد که، صرف نظر از اعتقادات مسلکی شان، استقلال کشور خود و حفظ جمهوری اسلامی ایران را چون مردمک چشم عزیز می دارند، و در این امر سترگ میهنی، آماده برای همه گونه فداکاری و ایثار هستند.

مردم محروم و امپریالیسم زده ایران، که با انقلاب پرشکوه خود نمونه اعجاب آمیز و ستایش انگیزی از پایداری و ایثار بیچانیان ارائه دادند، بار دیگر در این جنگ میهنی، چشم جهانیان را بخود خیره ساخته اند: آمادگی عمومی برای

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

از بندرعباس ۴۰۰۰۰ ریال
مادر ۵۰۰۰ ریال
از قزوین ۵۰۰۰ ریال
از بندرعباس ۴۰۰۰۰ ریال
مادر ۵۰۰۰ ریال
ب.م ۲۰۰۰ ریال
ف.ع ۱۰۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام آقای کی مشر و به شماره ۳۲۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاماسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بپردازند.

فردا (دوشنبه) نامه مردم منتشر نمیشود

در جنگ
عاد لانه بر ضد
رژیم صدام
حسین و برای
دفاع از میهن
انقلابی شرکت
کنیم!

نمایش کردند. امروز، در سالروز شهادت این رفقا، نسل نوین توده ای ها در سنگرهای رزم با امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم امریکا، راهشان را برای آزادی کامل وطن از سلطه امپریالیسم ادامه میدهند.

نسل نوین توده ای ها، که حماسه رزم و شهادت را از اسلاف قهرمان خویش به میراث برده اند، بار دیگر بیجان خویش را با افسران شهید توده ای تجدید می کنند که، تا آخرین قطره خون خویش را نثار آزادی میهن انقلابی از سلطه امپریالیسم جهانی، بسر کردگی امریکا و دفاع از جمهوری اسلامی ایران کنند.

است. این نحوه برخورد انقلابی با مسائل مهم مملکتی، باید برای حاکمیت انقلاب و همه سازمانهای سیاسی تجربه آموز باشد و وحدت خلق از پائین و در میان توده ها، به وحدت متشکل و سازمان یافته در بالا و در میان تمامی نیروها و سازمانهای انقلابی، ارتقا یابد.

شاید در این امر، امروز دیگر کمترین تردیدی نباشد که، اگر تشکیل جبهه متحد خلق در دوران پس از انقلاب مورد آن همه انکار و کارشکنی عمدی و غیر عمدی قرار نگیرد و امکان تحقق می یافت، امروز قدرت شگرف تفکر و تصمیم گیری جمعی، و اشتراک مصالح همه نیروهای سیاسی مدافع انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بر سر برنامه عمل مشترک کارآیی ما را در نبرد علیه امپریالیسم فدار آمریکا صدچندان کرده بسود.

همگی معترفند که فرمان تاریخی امام خمینی در تشکیل شورای دفاع موجب ایجاد هماهنگی میان نهادهای شرکت - کننده در نبرد علیه تجاوزگران صدامی است و تأثیر و کارآیی نیروهای رزمنده را به درجات بالاتری ارتقا خواهد داد. به همین ترتیب است وحدت عمل تمامی خلق در پیشبرد اهداف انقلاب، تعمیم و گسترش آن، زیرا اینجا جبهه وسیع تری از نبرد علیه امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم امریکا است و در این جبهه گشاده تر، وحدت عمل نیروها مهمترین ضرورت است تا کارآیی ما را در جبهه نبرد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی علیه امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم امریکه، افزایش دهد، از دشواریهای که در راه دشوار مبارزه را آسان تر و کوتاه تر سازد.

به امید روزی که جبهه متحد خلق، بتواند مظهر وحدت متشکل خلق، تصحیح یابد.

اعزام به جبهه، خوار شدن همتی خویش و عزیز داشتن اهداف انقلاب، پذیرش دشواری ها و حرمان ها برای نبرد طولانی با امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم امریکا، قبول کار بیشتر و تولید بیشتر برای تحکیم بنیه اقتصادی کشور در برابر دشمن، همه و همه آن نیروی نهفته در توده های مردم است که این بار نیز با درخشندگی خاصی، اعجاب جهانیان را برانگیخته است. صرف نظر از یک اقلیت ممتاز غرقه در ابتذال، که تاب کمترین محرومیت ندارد، خون خود را رنگین تر از دیگران می بندارد و جز رفاه خود به چیزی نمی اندیشد، و گروه بی اهمیت خرابکاری که زیر پرچم مائوئیسم در سراسر دوران پس از انقلاب سرگرم اختلال بوده و اکنون بزدلان خود را کنار کشیده و جنگ میهنی ما را جنگ ارتجاعی، نام نهاده است. کل مردم، چنان درجه عالی از میهن دوستی از خود به منتهی بروز آورده اند، که بحق موجب افتخار کشور بلاکشیده ما در جهان است و دنیای شرقی با ستایش و احترام از آن یاد میکند.

ملیرغم برخی از دستهای انحصار طلب، که هنوز اینجا و آنجا در کار وحدت خلق و آمادگی توده ها برای شرکت در جنگ میهنی اختلال میکنند و تمیضی روا میدارند، روند یکپار خونین در جبهه جنگ جنوب: در شهرهای خرمشهر، آبادان، اهواز، ذوقول، سوسنگرد به روشنی نشان میدهد که، مردم یکپارچه و متحد در کنار هم می جنگند و چیزی که به پیچرو در ذهنشان نمی خلد، تفاوت های عقیدتی و مسلکی است. برای این مردم رزمنده ایثارگر، آنچه مطرح است، دفاع جانانه از میهن انقلابی، استمرار انقلاب و پایداری نظام جمهوری اسلامی است، که برای مردم محروم این مرز و بوم، استقلال و آزادی بهرراه آورده

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آدر شماره ۶۸

(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH
MARDOM

No. 361
19 October 1980

Price:

West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۲۱/۳۵۵۱، منطقه
۱۲ پستی تهران